۱۵

گفت‌وگو با محمدمهدی خالقی سازنده مستند «به توان چهل» که آخر هفته‌ها از شبکه مستند پخش می‌شود

روایت پیشرفت از قاب دوربین نسل جوان

زندگی قدس
پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۷ | ۲۴ جمادی‌الاول ۱۴۴۰ | ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ | سال سی ودوم | شماره ۸۸۹۴ | ZENDEGI@QUDSONLINE.IR

نگاهی دوباره به طرح تخریب و یکسان‌سازی مزار شهدای کشور
به بهانه انتقاد رهبر معظم انقلاب از این طرح غلط

راز مزار

۱۱
تاریخ

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ چه گذشت؟

امام آمد

۱۲
ورزش

فردا شب فینال جام ملت‌ها در امارات برگزار می شود

نبرد غول قدیمی و غول جدید

شاید این جام ملت ها برای تیم ملی ایران پایان خوشی نداشت، اما نمی توان از شایستگی های دو فینالیست این دوره از مسابقات نگفت. قطر و ژاپن در حالی جمعه شب از ساعت ۱۷:۳۰ در ابوظبی با قضاوت روشن ایرماتوف ازبک به مصاف یکدیگر خواهند رفت که هر دو بدون هیچ حرف و حدیثی پا به این مسابقه گذاشته و شاید از شانسی برابر برای بالا بردن جام برخوردار باشند. قطر که برای اولین بار به فینال جام ملت های آسیا راه یافته، بزرگترین بازی تاریخ خود را جمعه پیش رو خواهد داشت، اما آن ها بارها در این تورنمنت نشان دادند که چقدر از نظر روانی و فنی برای این مسابقات آماده هستند. حضور در دو بازی کاملا سیاسی مقابل عربستان و امارات و سربلند بیرون آمدن از آنها، شکست کره جنوبی و زدن شش گل به کره شمالی، پیروزی در تمامی دیدارها و دریافت نکردن حتی یک گل، اگر نشان دهنده پیشرفت چشمگیر آن ها نیست پس چیست؟ چه تیمی می تواند در مرحله نیمه نهایی با آن جوسنگینی که تیم میزبان درست کرده و موقع پخش سرود ملی، همگی آن ها را...

۱۶
ایستگاه

از «عملیات مهندسی» منافقین در سال ۶۱ چه می‌دانید؟

مهندسان سلاخی!

۱۰
مردم

یکسان‌سازی قبور شهدا از پنجره نگاه مادران شهید

جولان بولدوزرها در بهشت قاب عکس‌ها

«امسال شاید سال آخری باشد که دارم کمد مزار ابراهیم را خانه‌تکانی می‌کنم. کم‌کم بیل و کلنگ‌ها دارند به نزدیکی مزار ابراهیم می‌رسند. صدای متّه‌هایشان که سنگ‌ها و موزاییک‌ها را می‌شکنند و سوراخ می‌کند، خلوت ما و بچه‌هایمان را به هم ریخته. می‌خواهند همه را یک شکل کنند؛ مثل قبرستان مسیحی‌ها! کمدها را دارند یکی‌یکی خراب می‌کنند و جایش یک سنگ می‌گذارند. ما که راضی نشدیم. همه ناراضی‌اند. این‌ها یادگاری‌های بچه‌های ما هستند. دلمان به همین‌ها خوش است. من می‌دانم مادر شهید با چه اشک و شوقی این‌ها را درست کرده و چیده تو کمد. یا آن خواهر شهید با چه عشقی این دستمال‌ها و پرده را دوخته و سر مزار آویزان کرده. توی کمد شهید صادق را خواهرش پر کرده بود از چمن پلاستیکی. روی چمن‌ها را هم دانه‌های انار ریخته بود. یک چراغ فانوس کوچک هم گذاشته بود. هر پنج‌شنبه چراغ فانوس را روشن می‌کردند. آن‌قدر قشنگ می‌شد که نگو. آدم وقتی نگاه می‌کند به این شیشه‌ها و عکس‌ها و گلدان‌ها فکر می‌کند اگر همان‌جا پای یکی از این میله‌های آلومینیومی دخیل ببندد حتما حاجت می‌گیرد. کنار مزار ابراهیم، شهید حسین حیدری است. خانمش هر پنج‌شنبه با چنان عشقی این شیشه‌ها و آلومینیوم ها ...

کمالی: گاه طرح هایی در ایران آغاز و اجرایی می‌شود که به هیچ وجه نمی‌شود آن را هضم کرد و اصلاً فلسفه‌ای را که پشتش خوابیده، درک کرد. خدا را شکر که از این دست طرح‌ها کم نداریم و یکی از نمونه‌های حی و حاضرش که با وجود همه اعتراض‌های مردم، باز تلاش می‌کنند که اجرایش کنند، یکسان‌سازی قبور شهداست. چیزی نزدیک به یک دهه است با این اسم افتاده‌اند به جان مزار شهدا و هرچه را از آیینه، حجله‌ها و تابلوهای آلومینیومی که پر بود از یادگاری‌های شهید و حتی سنگ‌قبرهای خاص، تخریب می‌کنند که مزار شهدا بشود شبیه گورستان سربازان فرنگی. سال‌های سال است که خانواده شهدا دارند به این ماجرا اعتراض می‌کنند، اما گوش کسی بدهکار نیست. انگار که کمر همت بسته‌اند هرطور که شده یادگاری‌های هشت سال دفاع مقدس و شاید این بخش مهم از تاریخ کشور را محو کنند. صحبت‌های دیروز مقام معظم رهبری درباره این تخریب هماهنگ، داستان به اصطلاح یکسان سازی قبور شهدا را وارد فاز تازه‌ای کرده است.

از بین بردن هویت و تاریخ به بهانه یکسان‌سازی

سال ۱۳۸۳ و در دولت سید محمد خاتمی کارگروه ساماندهی به نام ساماندهی گلزارهای شهدا، به تصویب هیئت وزیران رسید. استاندارها یا معاون عمرانی‌شان به همراه ۱۷ اداره دیگر قرار بود دورهم جمع شوند و برای زیباسازی قبور شهدا تصمیم بگیرند. مدیران بنیاد شهید مدام مصاحبه می‌کردند و می‌گفتند که منظور از ساماندهی گلزار شهدا در واقع بهینه‌سازی فضای گلزارها و رسیدگی به معابر است، اما وقتی طرحشان عملیاتی شد، نتیجه‌اش شد تخریب و نابودی سنگ مزار شهدا و ویترین‌های بالای سر هر مزار که در این سی و اندی سال طرحی سنتی و نمایی معنوی در قطعات شهدا ایجاد کرده بود. جای آن‌ها را هم سنگ‌های هم‌اندازه و همرنگ با مشخصاتی روتین و بدون مشخصه خاصی برای هر شهید، گرفت و جای قطعات پرخاطره قبور شهدا، سالنی که پر از تکرار سنگ‌های بی‌روح و یکدست بود، به‌جای ماند.

فاجعه و دیگر هیچ!

اولین یکسان‌سازی‌ها یا بهتر است بگوییم تخریب‌ها که شروع شد، صدای خانواده شهدا بلند شد که مسئولان بنیاد شهید، دارید میراث ما را خراب می‌کنید آن هم بدون اجازه رسمی از ما؛ اما فایده‌ای نداشت. تخریب و یکسان‌سازی‌ها پرقدرت ادامه داشت و در مشهد عمق فاجعه به حدی بود که یکی از مسئولان عالی نظام در بازدید از بهشت رضا به شهردار وقت ابراز نارضایتی کرد. این فاجعه در شاهرود هم تکرار شد و باز اعتراض‌های دانشجویان عدالتخواه و خانواده‌های شهدا اثری نداشت و مسئولان بنیاد مصرانه کار خودشان را ادامه می‌دادند. طرح سرانجام به بهشت زهرای تهران رسید و مسئولان بنیاد شهید و شهرداری بی توجه به اعتراض‌ها بولدوزرها را راهی قطعه ۴۰ کردند. خانواده‌های شهدا در بهشت زهرا تجمع کردند و ادامه کار را با چالش مواجه کردند. شهرداری و بنیاد اما کارشان را ادامه دادند و پس از آن حوادثی اتفاق افتاد که نباید رخ می‌داد. شکایت خانواده شهدا و اعتراضات سازمان‌یافته دیگری که رخ داد، بنیاد و دولت و شهرداری را برای مقطعی مجبور به عقب‌نشینی کرد. اما در همه ۱۳-۱۲سال بنیاد شهید و شهرداری‌ها چراغ خاموش با قبور شهدا هر کار دلشان خواست کردند و صدای اعتراض مادران و پدران و همسران داغدیده شهدا هم به جایی نرسید. خلاصه تیغ تخریب قبور شهدا به اصفهان و خوی و تبریز و خیلی از روستاهای کوچک و دورافتاده ایران هم رسید و میراث سی و چند ساله خانواده شهدا به راحتی آب خوردن نابود شد.

کاش یکی به مسئولان حالی می‌کرد

اما اعتراض‌ها به این اقدام غیر فرهنگی بنیاد شهید، به فضای مجازی هم کشیده شده است و خیلی از کاربران در شبکه‌های اجتماعی از خجالت مسئولان این کار درآمدند: «رهبری مجدد به طرح یکسان سازی قبور شهدا واکنش نشان دادن. آقایون کی میخوان دست بردارن از نابود کردن موزه‌های مردمی دفاع مقدس؟ واقعاً اجرای این طرح چرا آن قدر مهم شده که دست از سر مزار شهدا برنمیدارن؟ تعمدی هست؟»

«بنیاد شهید بدون توجه به نظر رهبری همچنان تخته گاز به نابود کردن تاریخ مردمی دفاع مقدس ادامه می‌دهد! این همه مصاحبه خانواده شهدا، این همه مستند، این همه مذاکره و مباحثه برای آقایان پشیزی ارزش نداشت». «فکر کنم به غیر از تهران، بقیه قبور شهدا در کل کشور حتی بالای کوه‌ها و روستاهای دور افتاده یکسان‌سازی شده است. قبر صاف کن‌های بنیاد شهید همت بالایی داشتند...»! «یکسان سازی قبور شهدا مثل این است که کسی بگوید ما داریم برای شهرمان آثار باستانی می‌سازیم. خود سنگ قبر شهدا اثر تاریخی است. ای کاش یکی فهم این را داشت و به دوستان شهرداری و بنیاد شهید حالی می‌کرد».

بی‌خودمی‌کنند...

سید محمدرضا میری از هنرمندان ارزشی کشور می‌گوید: در مجلسی، یکی از بچه‌های اصفهان درباره یکی از دردهای مشترک بچه‌ها حرف می‌زند. به تناسب پوسترهایی که چندماه پیش در این باره در اصفهان تولید کرده‌اند، از ماجرای تخریب هویت مزار شهدا به اسم «یکسان سازی در کل کشور» گلایه می‌کند و گزارشی تقدیم می‌کند. آقا با برافروختگی آشکاری می گویند: «بی‌خود یکسان‌سازی می‌کنند! من بارها گفته‌ام نکنند.» اما کو گوش شنوا. مسئولان بنیاد شهید یا خودشان را زده‌اند به خواب یا واقعاً خواب هستند و صدای اعتراض و تجمع خانواده‌های شهدا در گوشه‌گوشه ایران را نمی‌شنوند که می‌گویند دست به مزار عزیزان ما نزنید. آقایان باید بفهمند که از میان برداشتن حجله‌ها و یکسان سازی قبور شهدا با عنوان فریبنده ساماندهی، نتیجه‌ای جز از بین رفتن گنجینه عظیم معارف دفاع مقدس نخواهد داشت. آقایان فعلاً درگیر بخشنامه‌های اداری خودشان هستند و نمی‌دانند که سنگ‌نوشته‌های مزار شهدا یک شناسنامه عظیم و یک میراث غنیِ فرهنگی و ماناست و از بین بردن آن‌ها چیزی جز یک فاجعه فرهنگی نیست و خیلی از مجریان این طرح نمی‌خواهند بفهمند که یکدست شدن گلزارها سبب شده است که مادران کهنسال که سواد مناسبی برای خواندن اسم روی قبرها ندارند، مزار فرزندشان را هربار گم می‌کنند و با چشمان اشکبار میان قبور تکراری نشان خاصی برای عزیز از دست رفته‌شان پیدا نمی‌کنند. مسئولان بنیاد یک دهه است با این استدلال که خانواده‌های شهدا درخواست داده‌اند تا یکسان‌سازی صورت بگیرد، دارند طرح مشکوکشان را جلو می‌برند، در حالی که خانواده‌های شهدا خواسته‌اند که قبور شهدایشان مرمت و مسقف شود. اکنون به نام مرمت و بازسازی، به تغییر ماهیت قبور شهدا پرداخته‌اند.

«مایکل ایگناتیف» مدرس حقوق بشر کالج دولتی کندی در هاروارد، چند سال و پس از دیدار از ایران گفته بود: هر نومحافظه‌کار آمریکایی که شرط می‌بندد رژیم ایران تحت تأثیر انزوا، محاصره، تحریم و محکومیت بین‌المللی فرو می‌ریزد، پیش از اعلام جنگ با ایران، باید از این مزار شهدا دیدن کند. آن‌ورآبی‌ها پی به تأثیرگذاری میراث گرانبهای شهیدان برده‌اند، اما متولیان این بهسازی‌ها، نه در مواضع رهبری تأمل می‌کنند و نه به نکته گویی غربی‌ها توجه می‌کنند. این صحبت‌های دیروز مقام معظم رهبری در بهشت زهرا که: « یکی از کارهای بدی که بعضی از مدیران گلزارهای شهدا انجام می‌دهند، این کار غلط یکسان‌سازی قبور شهدا است. این [جا] خوب است؛ همین درست است، بیایند صاحبان این شهدا، پدرانشان، مادرانشان، فرزندانشان، همسرانشان، علامتی داشته باشند، عکسی داشته باشند، این خوب است.این شکل، شکل طبیعی است. هیچ لزومی ندارد که ما این [علامت‌ها] را صاف کنیم، به خیال اینکه می‌خواهیم زیباسازی کنیم» به نظر خیلی‌ها حجت تمامی رهبری بود با مسئولان بنیاد و دست‌اندرکاران یکسان‌سازی قبور شهدا. امیدواریم که گوش شنوایی وجود داشته باشد.

یادداشت

محمدجواد میری

هفت برکت رویارویی با طرح غلط یکسان سازی گلزارها

این یادداشت در آبان‌ماه ۱۳۸۹ و در پی یکی از موج‌های اعتراض به تخریب مزار شهدا نگاشته و منتشر شده بود.

آیا سخن گفتن از داستان غمناک مزار شهدا و انتقاد از تخریب آن، تنها افسوس خوردن بر گذشته است یا برعکس، پیگیری این بحث سودی به حالمان خواهد داشت؟ واقعیت این است که بحث مزار شهدا، برای امروز و فردای ما برکات و فوایدی دارد، از جمله اینکه:

۱ – آگاه سازی: این پیگیری بهانه بسیار خوبی برای آگاه سازی عمومی درباره اقدامات فرهنگی بی‌قاعده است. تخریب مزار شهدا نمونه روشنی از اقدامات مدیریت فرهنگی دولتی است که بدون توجه به ارزش‌های فرهنگی، مبانی علمی و عقبه مردمی انجام می‌گیرند. باز شدن داستان تخریب مزار شهدا و نقد فرایند برنامه‌ریزی و مدیریتی‌ای که به چنین فجایعی می‌انجامد، نیروهای انقلابی و خانواده شهدا را نسبت به نظارت بر فضای فرهنگی کشور، بیش از پیش حساس و آگاه خواهد کرد.

۲ – انسجام: این پیگیری بهانه بسیار خوبی است برای گرد هم آمدن و همراهی عملی بین فعالان فرهنگی دفاع مقدس، خانواده شهدا و مسئولان دلسوزی که معتقدند اهداف و آرمان‌های انقلابی را نمی‌توان بدون احیای همه ظرفیت‌های مردمی و انسجام و همراهی بین آنان پیگیری کرد.

۳– توقف: تخریب مزار شهدا هنوز در بسیاری از نقاط کشور اتفاق نیفتاده است. مثلاً شهر طرقبه که بحمدالله موج یکسان سازی از مشهد به آن نرسیده است. اعتراض‌ها و مطالبات در موضوع تخریب مزار شهدا، مانع تکرار این خیانت فرهنگی در این نقاط دست نخورده خواهد شد.

۴– معاقبه: همان طور که مفاسد یا اشتباه‌های مدیریتی در عرصه‌های اقتصادی و سیاسی قابلیت پیگیری مطالبه‌گرانه و حتی حقوقی و جزایی دارند، اقدام غلط اندر غلطی همچون تخریب مزار شهدا به بهانه ساماندهی آن نیز باید زیر ذره‌بین قرار گیرد و مقصران و خاطیان آن شناسایی شوند. راه پیگیری قانونی نیز برای خانواده شهدا باز است و هرچند یافتن و مجازات مقصران، شاید این مشکل را حل نکند، اما می‌تواند موجب پیشگیری از تکرار بسیاری از خطاهای اینچنینی شود. به هر صورت ما در حال سخن گفتن از یک پدیده متأخر هستیم، نه یک پدیده به تاریخ پیوسته.

۵– تکرار نشدن: پیگیری این ماجرا می‌تواند مانع تخریب مضاعف مزار شهدا شود. چه به خاطر اعتراض‌ها و چه فارغ از آن، مسئولان امر ممکن است دوباره هوس کنند گلزارها را به سبک دلخواه خود و کارشناسانشان، بهسازی کنند! مثلاً اکنون در مشهد بحث بازسازی مجدد مطرح شده است. اگر این دور بازسازی هم بخواهد همان فرایند غلط پیشین را تکرار کند باز ما با مشکلات روبه‌رو خواهیم شد؛ بنابراین از کمترین فواید پیگیری مردمی این بحث، جلوگیری از بازسازی غلط دوباره است.

۶– بازیابی: گرچه سنگ‌ها و ویترین‌های مزار شهدا از بین رفته‌اند، اما تصاویر و خاطرات زیادی از آن‌ها به جا مانده است. این بهترین فرصت است برای تبیین اهمیت این میراث‌ها و جمع آوری، ثبت و بازخوانی آن ها. هر کسی از این سنگ مزارها و حجله‌ها، چیزی از قبیل عکس، فیلم، خاطره و... دارد، باید آن را سند مهمی در عرصه تاریخ‌نگاری انقلاب و جنگ و مردم‌شناسی دفاع مقدس به حساب بیاورد. تجمیع و تحلیل علمی این اسناد نیز رسالت متولیان و پژوهشگران این حوزه است.

۷– بهره‌برداری: مناطق شهری و روستایی‌ای از قبیل همان طرقبه که هنوز دست نخورده باقی مانده‌اند، باید مورد حراست و سپس بهره‌برداری فرهنگی قرار گیرند. می‌توانیم نامش را بگذاریم منطقه حفاظت شده روایتگری. چه اردوهایی که با هدف روایت کردن دفاع مقدس برای جوان‌ها برگزار می‌شود و چه پژوهش‌ها و تأملات پژوهشی در حوزه تاریخ و مردم‌شناسی جنگ با رویکردهای مختلف – از معرفتی گرفته تا گرافیکی- باید بر این مزارهای باقیمانده متمرکز شوند. شاید این گونه، آخرین گلزارهای زنده انقلاب و جنگ، نقطه توجه همیشگی دلدادگان به اسلام و انقلاب بمانند.

مجاز آباد

به سیل زده‌ها کمک کنید

در پی وقوع سیل و شکسته شدن سیل‌بند در شهرستان دشت آزادگان و همچنین سیل‌بند شهر رفیع در شهرستان هویزه، محسن رضایی در اینستاگرام نوشت: «مردم دشت آزادگان بویژه بخش رفیع و عفرای شمالی و مردم مناطقی از لرستان از جمله در حوالی خرم آباد، پلدختر، الیگودرز و... در محاصره سیل قرار دارند. از همه نهادهای مسئول استان تقاضا کردم که به کمک این مردم شریف بشتابند. برادران عزیز سپاه بخصوص فرمانده مخلص سپاه خوزستان آقای خادم سیدالشهدا با سرعت و امکانات مهندسی، خود را به مناطق سیل زده رسانده و در تلاش بی‌وقفه برای امدادرسانی‌اند. مردم نیاز به آذوقه داشته و دام‌های آنان به دلیل دسترسی نداشتن به علوفه، در معرض تلف شدن قرار دارد».

بی‌خانمان آمریکایی

سید یاسر جبرائیلی با انتشار تصویر یک بی‌خانمان آمریکایی در اینستاگرامش نوشت: «دیروز- خیابان میشیگان، شیکاگو. عکس از نیویورک تایمز. این بی خانمان آمریکایی به نیویورک تایمز گفته است: «سردم است و نگرانم». آیا کسی در آمریکا هست که فریاد بزند «۴۵ دلار از آن میلیاردها دلاری که صرف جهان‌گشایی می‌کنید، به این بیچاره بدهید تا شبی را در یک سرپناه بگذراند؟»

سلبریتی‌های‌وقیح

افتتاحیه جشنواره فیلم فجر به جز تک خوانی خواننده زن حواشی دیگری هم داشت. در بخشی از مراسم از فاطمه معتمدآریا، بازیگر سینما و تلویزیون تجلیل شد. معتمدآریا در بخشی از سخنانش صحبت‌هایی را به زبان آورد که واکنش‌های تند کاربران را به همراه داشت. معتمد آریا در بخشی از صحبت‌هایش گفت: «من دلخور نیستم که هرجا رفتم، در طی این ۴۰ سال، توقف برایم ایجاد کردند، این توقف سبب شده است جهش بزرگ‌تری داشته باشم». یکی از کاربران در پاسخ به این بازیگر در توییترش نوشت: «۱۱ سریال و ۴۹ اثر سینمایی داشته و ۱۶ جایزه از سینمای پس از انقلاب گرفته و بعد درحالی که برایش مراسم تقدیر گرفته‌اند، می‌زند زیر میز که «۴۰ سال» است خواستند توقیفم کنند! فقط یک سلبریتی می‌تواند این قدر وقیح باشد».

تک خوانی خواننده زن در افتتاحیه جشنواره فجر

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، با تک‌خوانی یک خواننده زن آغاز شد که این اتفاق انتقاد بسیاری از چهره‌های شاخص و کاربران فضای مجازی را به دنبال داشت. محمدرضا باقری، فعال رسانه‌ای و مجری برنامه عصرانه در واکنش به این اتفاق در رشته توییتی نوشت: «وقتی اجرای نمایش افتتاحیه جشنواره فیلم فجر رو میدی دست عنصر نامطمئنی به نام «محمد رحمانیان» باید هم شاهد این باشی که به اسم همخوانی میکروفن رو جلوی یک نفر بذاره و کل مراسم رو به حاشیه ببره. بفرمایید حالا خبر رسیده که رحمانیان بدون هماهنگی با مسئولان جشنواره به جای علی زند وکیلی از خواننده زن استفاده کرده. این گونه جواب اعتماد را می‌دهند».

جولان بولدوزرها در بهشت قاب عکس‌ها

نگاهی دوباره به موضوع یکسان‌سازی قبور شهدا از پنجره نگاه مادران شهید

«امسال شاید سال آخری باشد که دارم کمد مزار ابراهیم را خانه‌تکانی می‌کنم. کم‌کم بیل و کلنگ‌ها دارند به نزدیکی مزار ابراهیم می‌رسند. صدای متّه‌هایشان که سنگ‌ها و موزاییک‌ها را می‌شکنند و سوراخ می‌کند، خلوت ما و بچه‌هایمان را به هم ریخته. می‌خواهند همه را یک شکل کنند؛ مثل قبرستان مسیحی‌ها! کمدها را دارند یکی‌یکی خراب می‌کنند و جایش یک سنگ می‌گذارند. ما که راضی نشدیم. همه ناراضی‌اند. این‌ها یادگاری‌های بچه‌های ما هستند. دلمان به همین‌ها خوش است. من می‌دانم مادر شهید با چه اشک و شوقی این‌ها را درست کرده و چیده تو کمد. یا آن خواهر شهید با چه عشقی این دستمال‌ها و پرده را دوخته و سر مزار آویزان کرده. توی کمد شهید صادق را خواهرش پر کرده بود از چمن پلاستیکی. روی چمن‌ها را هم دانه‌های انار ریخته بود. یک چراغ فانوس کوچک هم گذاشته بود. هر پنج‌شنبه چراغ فانوس را روشن می‌کردند. آن‌قدر قشنگ می‌شد که نگو. آدم وقتی نگاه می‌کند به این شیشه‌ها و عکس‌ها و گلدان‌ها فکر می‌کند اگر همان‌جا پای یکی از این میله‌های آلومینیومی دخیل ببندد حتما حاجت می‌گیرد. کنار مزار ابراهیم، شهید حسین حیدری است. خانمش هر پنج‌شنبه با چنان عشقی این شیشه‌ها و آلومینیوم هارا دستمال می‌کشد و قاب عکس‌ها را تمیز می‌کند که نگو...»

این سطرها، بخشی از رمان «شهربانو» است که در بخشی از آن، به یکسان‌سازی مزار شهدا، از پنجره نگاه مادران شهدا، اشاره شده است. یکسان‌سازی مزار شهدا موضوعی است که شروع آن به یک دهه قبل برمی‌گردد، برای مادران شهدا (و پدران و دیگر اعضای خانواده شهدا) همچنان مسأله‌ای تازه است؛ مسأله‌ای که خواسته و ناخواسته بخشی از هویت فرهنگی شهیدشان را مخدوش می‌کند. بازخوانی این نگاه، می‌تواند ابعاد تازه‌ای از این ماجرای کهنه را روشن کند.

مردم باید بدانند اینجا شهیدی خوابیده است

مادر شهید محمد حیدری- بوشهر

من از منطقه جنوبم از استان بوشهر. والله ما که خانواده شهیدیم کسی (درباره یکسان‌سازی مزار شهدا) با ما مشورت نکرده است و ما هم نخواسته‌ایم.

فردا یک نفر بلند می‌شود و اعتراض می‌کند می‌گویند برای راحتی خانواده شهداست. در صورتی که (با یکسان‌سازی) شهدا زندانی می‌شوند. شهدا تنها به ما تعلق ندارند. شهدا به همه جامعه تعلق دارند؛ مخصوصا به جوان‌های‌مان. همه ملت باید بیایند و ببینند. بدانند که اینجا شهید خوابیده است. هر کس شهیدی دارد که با او حرف می‌زند و درد دل می‌کند اما این درد دل کردن‌ها را دارند می‌گیرند.

من به عنوان یک مادر که هیچ وقت راضی نیستم و فکر هم نمی‌کنم که هیچ مادر شهیدی راضی باشد، هیچ خواهر شهیدی راضی باشد، هیچ همسر و فرزند شهیدی راضی باشد.

پیام ما را اگر مسئولان گوشی دارند بشوند، و بدانند این کار اشتباهی است. اگر می‌خواهند احترام به خانواده شهدا بگذارند این راهش نیست.

چرا نمی‌خواهند یاد شهدا در جامعه باقی باشد؟

سرکار خانم مقدسی/ همسر شهید موحدی

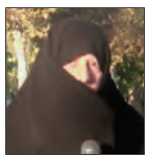

قبل از اجرای طرح یکسان‌سازی مزار شهدا، آمدیم با سازمان بهشت رضا(ع) (در مشهد) صحبت کردیم. گفتیم می‌خواهیم شخصی اقدام کنیم؛ گفتیم خانواده‌های دیگری هم هستند که می‌خواهند خودشان، مزار شهیدشان را نوسازی کنند. گفتند که ما اصلا کاری نداریم. شما هر کاری که مناسب می‌دانید انجام بدهید. ما هم خاطرمان جمع شد. خودمان اقدام کردیم و تابلویی برای پدرم، تابلویی برای همسرم گذاشتیم؛ پرچم مقدس یا حسین گذاشتیم؛ پرچم مقدس جمهوری اسلامی گذاشتیم. عکس شهیدمان را گذاشتیم و عکس چند شهید دیگر را. خلاصه به شکلی مناسب، مزار شهیدمان را نوسازی کردیم...

نمی‌دانم چه شد؟ نمی‌دانم چه کسی تصمیم گرفت؟ نمی‌دانم چه کسی به خودش اجازه داد بعد یک ماه این کار(یکسان‌سازی قبور شهدا) را بکنند. کندند و بردند و آثارش هم نیست. ما که به حق خودمان و به سهم خودمان راضی نیستیم. این سوال برای همه است. چرا نمی‌خواهند یادی از این‌ها(شهدا) باشد؟

روایت

پدر پژوهش‌های دفاع مقدس از موضوع بازسازی قبور شهدا می‌گوید

مزار شهدا؛ نمایشگاه فرهنگ ایرانی است

علی‌رضا کمره‌ای معتقد است حتی با فرهنگ ایرانی و اسلامی غریبه هم باشید، اصلا یک اسکاتلندی باشید که امروز چشم وا کرده‌اید و خود را در جایی دیگر می‌بینید، باز هم می‌توانید راز مزار شهدا را بدانید.

او که به اذعان فعالان فرهنگی پدر پژوهش‌های دفاع مقدس لقب گرفته توضیح می‌دهد که می‌بینید جایی هست که پرچم‌های رنگارنگ برافراشته دارد و باد در دارد در بین آن‌ها می‌چرخد. تصاویر جوانان را می‌بینید. خانم‌هایی را می‌بینید که نشسته‌اند و دارند سنگ‌هایی را با دست تمیز می‌کنند. آقایانی هم هستند که ایستاده‌اند و زیر لب چیزی می‌خوانند. یعنی مجموعه حرکات و سکنات جوری است که می‌فهمید این‌جا کاملا از دنیای مردگان جداست؛ از پرچم از عکس از ابزار و ادوات جنگی، ترکش‌ها پوکه‌ها و... می‌پرسید این‌ها چیست که اینجا گذاشته‌اند؟ این‌ها چه می‌خواهند بگویند؟

کمره‌ای تأکید می‌کند: این‌ها نشانه‌هاست. هر کدام از این‌ها بخشی ازآن فرهنگ را و بخشی از آن دوره تاریخی را برای شما بازگو می‌کنند؛ از آن پرچم برافراشته تا قاب‌های آلومینیومی و تا می‌رسید به سنگ می‌رسید به نوشته روی سنگ.

عضو شورای خاطره‌نویسی دفاع مقدس می‌گوید: برخی از این سنگ نوشته‌ها خیلی عجیب است. یکی شعر خودش را روی سنگ مزارش نوشته است، یکی وصیت‌نامه را آورده. با تنوع عجیبی روبرو می‌شوید که آن تنوع، برشی از فرهنگ این مردم است. شما فرهنگ ایرانی اسلامی و شیعی را در مزار شهدا می‌توانید مطالعه کنید.

کمره‌ای به موضوع یکسان‌سازی مزار شهدا اشاره می‌کند و می‌گوید: کل آن مجموعه می‌بایست حفظ می‌شد به خاطر اینکه ترکیب آن عکس و آن سنگ و آن نوشته و آن آداب و رسوم، یک زیست‌بوم فرهنگی است. زیست‌بوم یعنی یک نظام اندام‌وار که به هر جای آن دستی بزنید و خدشه‌ای وارد کنید، همه آن مجموعه را خراب کرده‌اید.

عضو شورای خاطره‌نویسی دفاع مقدس ادامه می‌دهد: حالا اگر آن‌جا به یک بچه کلنگی دادید و گفتید این جنگل آلومینیوم و پرچم و عکس و سنگ را چه کنیم؟ ذهن توسعه‌گرای او ماهیت این مجموعه را نمی‌فهمد و می‌گوید خوب است این‌ها را هم شکل کنیم. هم سطح کنیم. طول و عرض‌شان را یکی کنیم. او، طبیعت فرهنگ، این زیست‌بوم فرهنگی که تمام اجزایش معنا دارند این را درک نمی‌کند.

بازخوانی

درباره مستند «راز مزار»

تخریب حافظه تاریخی مردم

«در تشییع جنازه من پرچم آمریکا را آتش بزنید تا مردم بدانند من ضد آمریکایی و تابع ولایت فقیه هستم» این سنگ نوشته مزار شهید محمدرسول رضایی دانش‌آموز ۱۳ ساله است. سنگ نوشته‌هایی که هرکدام نمادی از ایستادگی و مقاومت سربازان این سرزمین هستند اما بیش از یک دهه می‌شود که تفکر ضد جنگ و تقدس‌زدایی، که سال‌ها دل خوشی از دفاع مقدس و رشادت‌های فرزندان این آب و خاک نداشتند در پی از بین بردن این نمادها بر آمدند و با مطرح کردن طرح یکسان سازی گلزار شهدا اولین گام برای کمرنگ کردن یاد و خاطره شهیدان از فکر و ذهن ایرانیان را برداشتند تا بتوانند بعد از گذشت چند سال به طور کلی ارزش‌های دفاع مقدس را بی‌ارزش و حتی نفی کنند و آن‌ها را تخطئه کنند.

مستند «راز مزار» که به همت دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی در آذربایجان شرقی تولید شده مستندی است که به خوبی این پیام فرهنگی را به بیننده القا می‌کند که چطور جریانی خزنده در مسئله گلزار شهدا در حال از بین بردن یاد و خاطره شهدای هشت سال جنگ تحمیلی هستند.

این مستند که روح‌الله رشیدی آن را تهیه کرده و نوید ناصر کارگردان آن است به روند تخریب گلزار شهدا در سراسر کشور اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه به صورت هماهنگ و یکپارچه این طرح در سراسر کشور به اجرا در آمد. سپس با بیان نکاتی از زبان کارشناسان حوزه‌های مختلف اعم از معماری، ارتباطات، تاریخ شفاهی و... بیننده‌ای که تاکنون با این مسئله مواجه نبوده را آگاه کرده است. مسئله‌ای که شاید برای بسیاری عمق آن روشن نیست و اهمیتش آنطور که کارشناسان حوزه دفاع مقدس به آن وقوف دارند پیدا نیست. در مستند «راز مزار» ابتدا بیننده را در پیوندی عمیق با مزارهای سنتی شهدا نشان می‌دهد و به او یادآوری می‌کند که روزگاری خودت نیز با این مزارها خاطراتی داشته‌ای و سپس یادآوری می‌کند که اکنون بعد از تخریب حجله‌ها و سایه‌بان‌های بالای هر مزار دیگری مامنی برای تو به عنوان بیننده وجود ندارد تا بتوانی ساعتی از دنیا فارغ شوی و خلوتی با یکی از شهدای والامقام هشت سال جنگ تحمیلی داشته باشی.

کارگردان در ادامه به پیام‌هایی که در هرکدام از این مزارها و سنگ نوشته‌ها وجود دارد اشاره می‌کند و نشان می‌دهد که فراموش شدن آن‌ها به واسطه طرح همسان‌سازی مزار شهدا چه آسیب‌هایی به حافظه تاریخی یک ملت وارد می‌کند.

در این مستند که تدوین کمک شایان توجهی به اثرگذاری آن کرده است تماشاچی این سوال برایش به وجود می‌آید که هدف از این اقدام چه بوده و به چه منظور دست به یکسان سازی زده شده است؟ مطالبه‌ای که در ادامه پُر دامنه‌تر نیز می‌شود و بیننده وقتی به اهمیت مزار شهدا و آنچه بر روی سنگ‌ها نوشته شده بود یا در حجله‌های آن‌ها قرار داده شده پی می‌برد با خود کلنجار می‌رود تا پاسخ مناسبی برای آن پیدا کند.

کارشناس معماری که در این مستند سخن می‌گوید با اشارات خوبی که به نمونه‌های خارجی می‌کند و گرته برداری‌های بی‌قاعده‌ای که از آن نمونه‌ها صورت گرفته، ذهن بیننده را به این سو می‌برد که پشت این اتفاقات تفکری وابسته به جریان‌های مادی گرای غربی ایستاده و آن را نمایندگی می‌کند تا در روزگاری که در ذهن خود آن را زیاد دور نمی‌پندارند بتواند تاریخ روزهای دفاع جانانه جوانان ایران اسلامی را به نفع خود و جریان تفکری خود مصادره کند.

مستند «راز مزار» به اهمیت تاریخی مزارها و به طور کلی گلزارهای شهدا اشاره می‌کند و بیننده را تحریک می‌کند تا حتی اگر تاکنون به گلزار شهدای محل سکونت خود سری نزده، به آنجا مراجعه کند تا به این اهمیت پی ببرد.

در این مستند از زبان افراد خبره بیان می‌شود که این مزارها یک هویت فرهنگی است که آیندگان می‌توانند مسیر خود را به واسطه آن‌ها پیدا کنند تا جایی که از زبان یکی از افراد حاضر در مستند بیان می‌شود که مزار شهدا قطب نمای حرکت در روزگار کنونی است.

موسیقی در این مستند ۳۴ دقیقه‌ای با ذهن و روان مخاطب بازی می‌کند و او را با مسئله‌ای که به خوبی طرح شده درگیر می‌کند تا بتواند توجیهی برای این موضوع پیدا کند اما نحوه روایت موضوع به شکلی است که بیننده در پایان مجاب می‌شود که تفکر بولدوزری به منظور تخریب تاریخ و هویت فرهنگی این مرز و بوم دست به چنین اقدامی زده و چیزی جز پاک کردن یاد و خاطره رزمندگان ۸ سال دفاع مقدس از ذهن و خاطر آیندگان در نظر ندارد.

مستند «راز مزار» با ظرافتی قابل تقدیر توانسته مسئله یکسان سازی قبور مطهر شهدا را در بیننده به یک مطالبه و دغدغه تبدیل کند تا با پرسش گری در وهله اول از خویش و در مراحل بعدی از متولیان، پاسخی قانع کننده دریافت کند، در صورتی که پاسخی جز آنچه در بالا مورد اشاره قرار گرفت وجود ندارد.

یادداشت

نگاهی به کتاب «راز جعبه آینه»

رازگشایی از جهان کوچک شده

روح الله رشیدی/ تهیه‌کننده مستند «راز مزار»

اجازه بدهید بی مقدمه برویم سر اصل مطلب. «راز جعبه آینه» واکنشی است محترمانه، نجیبانه و ایجابی، به یک سوگیری تخریبی در ساحت فرهنگ انقلاب اسلامی. تخریبی برگشت ناپذیر که در هیاهوی کاذب سیاسی دهه هشتاد و نود، حجم خسارتش دیده نشد. آن روز که بخشنامه‌های مبهم و مشوش و گیج امرکننده بر «ساماندهی مزار شهدا» در چهار سوی کشور منتشر شد، آستین‌ها با همتی عجیب و غیرمترقبه، بالا زده شد برای «سامان» دادن به عرصه‌ای که خود، سامانی منحصر به فرد بود. مجموعه مزارهای شهدا، که در عُرفِ سال‌های انقلاب و دفاع مقدس، به «گلزار» مشهور شده بود، پیرو تصمیمی گنگ، به تیغ لودرها سپرده شد تا امروز، جز برهوتی از سنگ‌های تیره، از غالب «گلزار»ها باقی نماند.

گذشته از روح حاکم بر گلزارها که وصف آن در این مجال نمی‌گنجد، ما در گلزارها با مجموعه‌ای منظم و منتظم از عناصر و اجزا و نمادها روبه‌رو بودیم که هر یک در گذر زمان به رکنی حامل معنا و ارزش تبدیل شده بود؛ عناصری چون «سنگ نوشته‌ها»، «پرچم‌های برافراشته»، «درختچه‌ها» و البته دنیایی به نام «جعبه آینه». جعبه آینه، به یک معنا، شاخص‌ترین نماد مزار شهدا بوده است.

جعبه آینه را در بعضی مناطق به نام «حجله» هم می‌شناسند. محفظه‌ای ساده، که بی هیچ بخشنامه‌ای، از چشمه ذوق خانواده‌ها جوشیده و جزء ثابت مزار شهید شده بود.

کتاب «راز جعبه آینه» سیری موشکافانه در این «جهان کوچک شده» است. پژوهشگر، از منظری برخاسته از تجربه مماس با جامعه جنگ دیده، وجوه اهمیت و امتیاز «جعبه آینه» را بازنمایی کرده است. مروری که گاه البته با بیانی شاعرانه و ذوقی همراه است. زمینه مورد توجه نویسنده، بی‌تردید، زمینه‌ای دست نخورده و بکر بوده است. آنچنان که اگر از معدود کتاب‌ها و مقالاتی که در باب سنگ نوشته‌ها منتشر شده‌اند بگذریم، تقریباً تأمل ویژه‌ای در «جعبه آینه»ها سراغ نداریم.

آقای«محمدجواد مدرسی» با دو رویکرد، به جعبه آینه‌ها نظر کرده است: کل نگرانه و جزءنگرانه. در رویکرد کل‌نگرانه، او به بررسی وجوه اهمیت ناظر بر تمامیت جعبه آینه می‌پردازد. مهم‌ترین نکته در این بخش، «وجه مادرانه» جعبه آینه‌هاست. به باور او، جعبه آینه، خانه‌ای است که مادر برای فرزندش «نوشته» است. خانه‌ای که مادر، آرزو داشت فرزندش را در آن ببیند و ندیده و حالا فرزند شهیدش را به این خانه فرامی‌خواند. چینش اجزای جعبه آینه، حکایت از این آرزو و دعوت دارد. از قرآن و آینه و شمعدان گرفته تا گل و پرده حریر، همگی حاکی از نیتی مادرانه است. البته این نکته، لزوماً به این معنا نیست که همه جعبه آینه‌ها را مادران طراحی و ساخته‌اند؛ «اما آنچه به شکل کلی، روح جعبه آینه را می‌سازد، روحی مادرانه است.»

به نظر می‌رسد که «جهان کوچک شده» شاخص‌ترین تعبیر در توصیف جعبه آینه باشد. مدرسی، اشیای درون جعبه را این‌چنین مرور می‌کند: «پنجره، پرده، قاب عکس شهید، آینه، شمع و شمعدان، گل و گلدان مصنوعی، رحل و کتاب قرآن و مفاتیح‌الجنان، مهر و تسبیح و جانماز، شمایل امامان معصوم، تصویر بقاع متبرکه، گلاب‌پاش، شیشه عطر، سربند، چفیه، پلاک، فشنگ و پوکه فشنگ، فانوسقه، فانوس، چراغ گردسوز، پرچم ایران و...» و سپس می‌گوید: «اندازه‌های کوچک شده این اشیا با جهان بزرگ بیرون جعبه آینه، رابطه معنایی دارند.»

مدرسی علاوه بر این توصیفات کلی، وارد این جهان کوچک شده نیز شده و از منطق «چیدمان» گرفته تا «پنجره» و «در جعبه آینه» را به توصیف نشسته است. او حتی سوی نگاهش را به سوی «پرده»، «آینه»، «گل مصنوعی» و اشیاء مقدس گرفته و منطق به‌کارگیری هر یک را بازگو کرده است.

نویسنده با وسواسی قابل تحسین، تلاش دارد تا «راز» این جعبه معمولاً آلومینیومی را بگشاید و مخاطب را با خود به دنیای درون آن ببرد. شاید اگر چنین سیری، یک دهه پیش و پیش از آنکه دکوراتورها کمر به حذف جعبه آینه‌ها ببندند، صورت می‌گرفت، امروز احتمالاً در اقصای کشور، همچنان چنین دنیای پرجاذبه‌ای را شاهد بودیم. امروز که استدلال‌های حیرت‌انگیز بانیان یکسان‌سازی مزارها را مرور می‌کنیم، بیشتر از پیش، حسرت فقدان چنین پژوهش‌هایی را می‌خوریم.

یادداشت شفاهی

دایرةالمعارف گلزارهای شهدا

سردار علی باقرزاده
فرمانده کمیته جست وجوی مفقودین ستادکل نیروهای مسلح

سنگ‌نوشته‌ها در همه کشورها به‌عنوان یک اثر ارزشی و تاریخی مطرح است. سنگ قبرها پیام‌هایی در دل خود دارد که ناظر به ابعاد عمیق حضور اجتماعی مردم از اقشار مختلف در جنگ بوده است، مثلاً کارگران، کشاورزان و دانش‌آموزان، از آن گذشته پیام‌هایی که روی قبور شهدا نوشته شده است یا از وصایای خودشان برداشته شده و یا انتخاب خانواده‌شان بوده است.

پیام‌ها، اشعار، جملات نغز و گویا که روی قبور نقش بسته حاکی از آن است که یک مجموعه و دایرة المعارفی در گلزارهای شهدای ما وجود دارد که یکسان‌سازی نمی‌تواند نظر خانواده شهدا و آیندگانی که بعداً بخواهند به آن رجوع و شرایط را بررسی کنند و نسبت به آن سنجش و تحقیقات داشته باشند، تأمین کند.

معمولاً سنگ‌نوشته‌ها در همه کشورها به‌عنوان یک اثر ارزشی و تاریخی مطرح است. در کشور خودمان هم اولین سنگ قبرِ متعلق به حضرت رضا علیه السلام را در موزه نگهداری کردند و از روی آن کپی‌برداری شده و اثر هنری خلق کرده‌اند و این اثرات هنری را به‌عنوان یک هدیه هم تقدیم می‌کنند.

این آثار سنگ قبرها همیشه و همه جا به‌عنوان یک اثر تاریخی که ناظر به یک واقعه مهم است، اهمیت دارد، بنابراین شکستن و تعویض آن‌ها نمی‌تواند این آثار تاریخی دفاع مقدس را در این بخش محافظت کند.

قدس زندگی
تاریخ
۱۱
پنجشنبه ۱۱ بهمن ۱۳۹۷
۲۴ جمادی الاول ۱۴۴۰ | ۳۱ ژانویه ۲۰۱۹ | سال سی و دوم | شماره ۸۸۹۴

بازخوانی یک تجربه تاریخی

چه کسی واقعاً در خط امام است؟

تاریخ | بهار ۱۳۶۰، نقطه پایان حضور سیدابوالحسن بنی‌صدر در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی بود؛ فردی که پنجم بهمن ۱۳۵۸، به‌عنوان نخستین رئیس‌جمهور تاریخ ایران با رأی ۱۲ میلیونی مردم انتخاب شده بود؛ در حالی که در پایان کار، اختلافش با امام(ره) علنی‌تر شد و حتی بخشی از حامیان سیاسی‌اش هم به دلیل تشنج‌آفرینی‌ها و کارشکنی‌های او در امور مملکت و جنگ، به صف مخالفانش پیوستند.

سایت جامع امام خمینی(ره) در گزارشی مستند، به بازنمایی امام در مواضع بنی‌صدر پرداخته است که گزیده‌ای از آن را در ادامه می‌خوانیم:

ضدیت با اصل ولایت‌فقیه

ممانعت امام(ره) از کاندیداتوری روحانیون موجب شده بود که بخش مهمی از رقیبان احتمالی بنی‌صدر، به یکباره از جمع نامزدها کنار گذاشته شوند؛ اما این، تنها عامل کمک‌کننده به بنی‌صدر برای پیروزی در انتخابات نبود. بنی‌صدر افزون بر این، توانسته بود خود را به عنوان یکی از نزدیک‌ترین افراد به امام و مورد تأیید او نشان دهد. در مراسم تنفیذ حکم ریاست‌جمهوری، بنی‌صدر به تمجید از امام پرداخت و در بیمارستان قلب تهران گفت: «برای ملت ایران هیچ نعمتی بالاتر از این نیست که روحانیت اسلام تحت زعامت حضرت آیت‌الله العظمی خمینی، امام امت ما، توانسته است یکی از بزرگ‌ترین انقلاب‌های تاریخ جهان را به پیروزی برساند...». اما این در حالی بود که بسیاری از نخبگان سیاسی و انقلابی کشور، برخلاف بخش‌های وسیعی از مردم، از نظرات او در ضدیت با اصل ولایت فقیه در جلسات بررسی قانون اساسی کاملاً آگاه بودند.

با آغاز ریاست‌جمهوری بنی‌صدر، طیف قابل توجهی از یاران اصیل امام(ره) و روحانیون مبارز، در سلک مخالفان او درآمدند؛ آن‌ها، خط رئیس‌جمهور را جدای از خط امام می‌دانستند و برای همین، بنی‌صدر باید تمام تلاش خود را به کار می‌برد تا چهره‌ای ضدامام از او به وجود نیاید. از این رو تمجیدهای او از امام حتی در اوج درگیری‌های لفظی و سیاسی او با جریان حزب جمهوری ادامه پیدا می‌کرد. طرفداران بنی‌صدر حتی مجموعه‌ای از بیانات امام(ره) را در قالب کتابی منتشر کردند که شخص رئیس‌جمهور مقدمه‌ای چهار صفحه‌ای بر آن نوشت و محتوای کتاب را نمایانگر اهداف اصیل انقلاب معرفی کرد.

تفسیر بنی‌صدر از امام

بحث پیرامون نظرات امام، همواره با قرائت‌ها و تفاسیر گوناگون همراه بوده است. بنی‌صدر هم از کسانی بود که تلاش می‌کرد به جای تقابل علنی با امام، سخنان و نظرات او را با تفسیر مطلوب خود منعکس و از آن‌ها پشتیبانی کند. در واقع او می‌کوشید خط امامی متناسب با دیدگاه‌های خود را ترویج کند. مثلاً می‌گفت: «در جهانی که ما هستیم، دو نوع دید از رهبری وجود دارد. یک رهبری بر این باور است که خود می‌باید به جای یک ملت تصمیم بگیرد؛ خود می‌باید سرنوشت مردم را هر طور خواست تعیین کند. مصدق از این گونه نبود، در نظر او رهبری، خدمتگزاری مردم است... هم اکنون نیز در جمهوری اسلامی ما از زبان امام، همین رهبری، رهبری مقبول است. امام دو سه روز پیش خطاب به سران چند کشور گفتند: در این جمهوری کسی نمی‌تواند خلاف اراده ملت کاری بکند؛ رأی، رأی ملت است.» او با این سخنان تلاش می‌کرد هر گونه ارجاعی به نظرات امام را که مخالف با دیدگاه‌های خود درمی‌آمد، مخالفت با رأی مردم و نوعی دیکتاتوری القا کند. اما هر چه سیر رویدادها پیش‌تر می‌رفت، پنهان کردن زوایای اعتقادی و سیاسی بنی‌صدر با امام(ره) دشوارتر می‌شد؛ بویژه در گردهمایی هفدهم شهریور ۵۸، که یکی از نقاط آغازین تضاد علنی رئیس‌جمهور با خط امام(ره) بود. بنی‌صدر تلاش کرد ضمن اذعان به اختلافات خود و امام، رابطه میانشان را عادی و مطلوب توصیف کند: «...من پنهان نمی‌کنم که به خود او نیز گفته‌ام مسائلی هست که من درباره آن‌ها جور دیگر می‌اندیشم، اما هیچ زمان نمی‌شود که من رأی خود را بر رأی او رجحان بدهم؛ اما از دل امام هم مطمئنم که دل او به فرزند او علاقه‌مند است... امام رسمش را می‌خواهد نه اسمش را.»

تجربه‌ای تاریخی

رسانه‌ها و اطرافیان بنی‌صدر هم همین سیاست‌ها را دنبال می‌کردند. آن‌ها می‌کوشیدند که نخست، امام و بنی‌صدر را هم‌رأی و همراه نشان دهند؛ ثانیاً مقاطعی از بیانات امام(ره) را پررنگ کنند که مؤید دیدگاه‌های او یا طعنه به مخالفانش است و نهایتاً به این تئوری دامن بزنند که مدعیان خط امام(ره) و از جمله اعضای حزب جمهوری، از نام امام استفاده ابزاری می‌کنند و نظراتشان منطبق بر نظرات امام نیست. بنی‌صدر در سخنرانی‌هایش، مخالفان خود را خارج از خط امام قرار می‌داد و می‌گفت: «در آن زمان که شاه می‌گفت هر چه می‌گوید همان باید بشود و مردم مطیع بی‌چون و چرای او هستند. امام می‌گفت من رهبر مردم نیستم، و همان را می‌گویم که مردم می‌گویند. مشخصه خط امام، احترام به خواست مردم است.»

تجربه ریاست‌جمهوری بنی‌صدر، یک تجربه تاریخی است، برای اینکه مخالفان خط امام(ره)، همیشه ممکن است که در لباس حمایت از این خط و جلب نظر مردم در ساختارهای سیاسی جمهوری اسلامی قرار بگیرند و به این خط و آرمان‌هایش آسیب وارد کنند.

روزشمار فجر انقلاب اسلامی (۱)

در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ چه گذشت؟

امام آمد

تاریخ / مسعود غلامی: ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، امام‌خمینی(ره) پس از حدود ۱۵سال دوری از وطن، در میان استقبال پرشور و میلیونی مردم به ایران بازگشتند؛ درست ساعت ۹:۲۷ صبح.

پیش از عزیمت امام(ره) از فرانسه به تهران، گروهی به نام «سازمان کماندویی مبارزه در راه قانون اساسی» با دفتر خبرگزاری آسوشیتدپرس تماس می‌گیرد و هشدار می‌دهد که اگر آیت‌الله خمینی(ره) قصد داشته باشد به سمت تهران پرواز کند، هواپیمای حامل ایشان را منهدم خواهد کرد. در پی این تهدید، امام خمینی(ره) به نزدیکان و همراهان خود فرمودند: «من بیعت خود را از شما برمی‌دارم؛ ما به طرف کار بزرگی می‌رویم؛ شما هم جانتان را به خطر نیندازید». استقبالی که از امام خمینی(ره) در این روز به عمل آمد، در تاریخ ایران بی‌سابقه بود؛ به نوشته روزنامه کیهان، طول جمعیت استقبال‌کننده به ۳۲ کیلومتر می‌رسید. در حالی که مراسم ورود امام(ره) به‌طور مستقیم از تلویزیون پخش می‌شد، نظامیان با یورش به این سازمان از ادامه پخش آن جلوگیری کردند؛ بختیار اعلام کرد که دستور قطع پخش تلویزیونی از جانب او نبوده است. به‌دنبال این ماجرا، مردم خشمگین تلویزیون‌های خود را شکستند و به خیابان‌ها آمدند.

با ورود امام(ره)، روحانیون متحصن در دانشگاه تهران در اعلامیه‌ای به تحصن ۶ روزه خود خاتمه دادند؛ این تحصن در اعتراض به اقدام دولت بختیار در جلوگیری از ورود امام(ره) آغاز شده بود.

امام(ره) پس از ورود به تهران در میان استقبال گسترده مردم به بهشت زهرا رفتند و در نطقی تاریخی، برنامه‌های آینده خود را اعلام و درباره غیرقانونی بودن مجلس و دولت منصوب شاه و مفاسد رژیم صحبت کردند.

مقصد بعدی امام(ره)، مدرسه رفاه بود؛ ایشان در جمع کمیته استقبال، در باب دستاوردهای انقلاب و ضرورت حفظ وحدت سخنرانی کردند. امام(ره) همچنین در پیامی مهم به افسران و سربازان ارتش، ارتش و ملت را از یکدیگر خواندند و خواستار عدم حمایت ارتش از دولت بختیار شدند.

فرمانداری نظامی تهران در همین روز در اطلاعیه‌ای، راهپیمایی و اجتماعات را در سه روز آینده آزاد دانست.

شورای هماهنگی کارکنان هما هم در بیانیه‌ای ضمن تأکید بر ادامه اعتصاب خود تصریح کرد: «اعتصاب کارکنان هما ادامه خواهد داشت و تنها به فرمان مرجع کبیر، امام خمینی(ره) خدمات خویش را در خدمت به ملت مبارز ایران آغاز خواهد کرد».

یونایتدپرس، آژانس خبری آمریکا در این روز به نقل از مقام‌های انگلیس گزارش داد که تقاضای ایران برای پایان دادن به معاملات تسلیحاتی موجود میان دو کشور، انگلستان را با خسارتی چهار میلیارد دلاری و همچنین بیکار شدن ۲۰هزار نفر روبه‌رو خواهد کرد.

خبر

برگزاری همایش «انقلاب اسلامی و تحول فقه»

اندیشه: همایش «انقلاب اسلامی و تحول فقه» با محوریت چهار موضوع «نگاهی به ابعاد و انواع تحولات فقه»، «تأسیس و توسعه فلسفه اصول فقه»، «تأسیس و توسعه فقه‌الاقتصاد» و «تحول روش‌شناسی فقه» برگزار می‌شود. این همایش، امروز، پنجشنبه یازدهم بهمن‌ماه از ساعت ۷:۴۵ صبح با سخنرانی آیت‌الله علی‌اکبر رشاد، رئیس پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در حوزه علمیه مسجد امام حسین(ع) تهران آغاز خواهد شد.

«گفتمان فلسفی علوم انسانی در ۴ دهه پس از انقلاب اسلامی» بررسی می‌شود

شبستان: نشست «گفتمان فلسفی علوم انسانی در چهار دهه پس از انقلاب اسلامی» با حضور چهره‌هایی چون غلامرضا اعوانی، غلامعلی حدادعادل، حمید پارسانیا و محسن جوادی برگزار می‌شود. این نشست، امروز، پنجشنبه ۱۱ بهمن‌ماه از ساعت ۹ تا ۱۲:۳۰ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به نشانی «تهران، بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آئینه‌وند» برگزار خواهد شد.

نشست «فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی» در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شبستان: نشست «فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی»، به همت پایگاه بسیج پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود. در این نشست، موسی نجفی در مورد «بررسی تطبیقی فلسفه انقلاب اسلامی با نظریه‌پردازی‌های مدرن»، عبدالرحمن حسنی‌فرد با موضوع «ظرفیت‌شناسی اندیشه انقلاب اسلامی و ارزیابی تجربه ۴۰ساله»، مالک شجاعی جشوقانی با موضوع «آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی از دیدگاه استاد مطهری» و مصطفی ملکوتیان درباره «نسبت انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ جهان» سخنرانی می‌کنند. این نشست، شنبه ۱۳ بهمن‌ماه از ساعت ۱۳ تا ۱۵:۳۰ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود.

کتاب «درآمدی بر فقه اخلاق» نقد و بررسی می‌شود

مهر: کتاب «درآمدی بر فقه اخلاق» نوشته حجت‌الاسلام امیر غنوی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، نقد و بررسی می‌شود. این نشست، دوشنبه ۱۵ بهمن ماه از ساعت ۱۶ در خانه اخلاق‌پژوهان جوان به نشانی «قم، بلوار محمدامین، کوچه ۱۳، پلاک ۲۹» برگزار می‌شود.

ابلاغ وقت رسیدگی

در خصوص دادخواست مهدی بیژنی به طرفیت فرید رضایی فرزند فریبرز به خواسته مطالبه به نوبت رسیدگی (تاریخ چهارشنبه ۹۷/۱۲/۱۵ ساعت ۴) در جلسه رسیدگی این شعبه حاضر شوید. خوانده می تواند جهت دریافت دادخواست و ضمائم قبل از برگزاری جلسه به دفتر شورا مراجعه نماید. ۹۷۱۶۶۷۷

رئیس شعبه چهارم شورای حل اختلاف ایوان - یاسم زارع منش

رونوشت آگهی حصر وراثت

نظر به اینکه آقای قربانعلی مرتضائی نوبهاری دارای شناسنامه شماره ۱۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۱/۹۷۰۴۷۱ح از این شورا درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه مهدیزاده نوبهاری به شناسنامه ۱۲ در تاریخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۰ در اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته و ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به :

۱- قربانعلی مرتضائی نوبهاری ۰۷۴۳۲۲۹۵۶۲۹ متولد ۱۳۵۱/۰۳/۰۲ فرزند متوفی
۲- غلامرضا مرتضائی نوبهاری ۰۷۴۸۷۴۷۰۶۰ متولد ۱۳۵۵/۰۶/۲۰ فرزند متوفی
۳- محمد مرتضائی نوبهاری ۰۷۴۹۸۷۷۰۵۷ متولد ۱۳۶۵/۱۲/۱۴ فرزند متوفی
۴- زینب مرتضائی نوبهاری ۰۷۳۱۵۲۴۰۳۴ متولد ۱۳۴۷/۰۶/۰۲ فرزند متوفی
۵- نصرت مرتضائی نوبهاری ۰۷۴۸۷۴۷۱۷۶ متولد ۱۳۵۷/۰۶/۰۱ فرزند متوفی
۶- عصمت مرتضائی نوبهاری ۰۷۳۰۱۴۸۶۵۳ متولد ۱۳۵۳/۰۱/۰۲ فرزند متوفی
۷- عفت مرتضائی نوبهاری ۰۷۴۹۸۷۷۲۱۹ متولد ۱۳۶۳/۰۶/۳۰ فرزند متوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را به استناد ماده ۳۶۲ ق امور حسبی یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یک ماه به شورا تقدیم دارد و الا گواهی صادر خواهد شد. تاریخ انتشار: ۱۳۹۷/۱۱/۱۱ ۹۷۱۶۴۷۱

قنبر مرزانی
قاضی شورا شعبه ۱ شورای حل اختلاف شهرستان تایباد

آگهی مزایده مال منقول نوبت اول

رونوشت آگهی حصروراثت

رونوشت آگهی حصروراثت

رونوشت آگهی حصروراثت

رونوشت آگهی حصروراثت

رونوشت آگهی حصروراثت

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ آیین نامه اجراء کلاسه: ۹۴۰۵۰۸۰

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۸۷ آیین نامه اجراء کلاسه: ۹۴۰۴۶۴۹

آگهی مزایده اموال غیرمنقول

آگهی ابلاغ ماده ۱۰۱ اموال منقول پرونده ۹۷۰۴۸۶۴

آگهی ابلاغ ماده ۸۷- پرونده کلاسه ۹۶۰۲۲۱۷

آگهی ابلاغ پرونده اجرایی کلاسه ۹۷۰۳۳۳۳

آگهی مزایده اموال غیرمنقول پرونده‌های اجرایی کلاسه ۸۹۰۰۸۷۷ و ۸۹۰۰۸۳۵

آگهی ابلاغ اخطاریه ماده ۱۰۱ کلاسه ۹۷۰۵۳۹۸

آگهی فقدان سند مالکیت

آگهی فقدان سند مالکیت

آگهی فقدان سند مالکیت

مارتین «کاسرس» به یوونتوس پیوست

ورزش: مدافع ۳۱ ساله اروگوئه‌ای باشگاه لاتزیو به طور رسمی به یوونتوس بازگشت. او در فصل ۱۰-۲۰۰۹ به صورت قرضی از بارسلونا به بیانکونری پیوسته بود و در ژانویه ۲۰۱۲ نیز به صورت دائمی با یووه قرارداد بست. کاسرس سه روز پیش در کمپ جی مدیکال حضور یافت و در تست‌های پزشکی باشگاه شرکت کرد. همچنین با چند هوادار سلفی گرفت و امضا داد ولی با خبرنگاران صحبتی نکرد. یووه برای جذب او ۶۰۰ هزار یورو پرداخت کرده و او جانشین بن عطیه‌ای خواهد شد که به الدحیل قطر پیوسته است. کاسرس پیش از این با یوونتوس سابقه فتح ۵ اسکودتو و دو کوپا ایتالیا را دارد.

رونالدو به دنبال شکستن رکورد دیگری از مسی

ورزش: با وجود انتقال تابستانی کریستیانو رونالدو به یوونتوس و خروج از لالیگا، رقابت بین او و لیونل مسی هنوز تمام نشده است و این دو ستاره بزرگ فوتبال همچنان در مسیر رکوردشکنی های جدید در دوران حرفه ای خود قرار دارند. اولین هدف رونالدو برای شکستن رکورد گلزنی های متوالی خارج از خانه، جوزپه سینیوری مهاجم درخشان ایتالیایی در دهه ۹۰ میلادی است. اما رکورد اروپا در دستان لیونل مسی است که در سال ۲۰۱۳ موفق شد در ۱۳ بازی متوالی خارج از نوکمپ دروازه رقبا را باز کند و رونالدو به گلزنی در ۵ بازی دیگر برای رسیدن به رقیب همیشگی خود نیاز دارد.

اخبار جام ملت‌های آسیا

کی‌روش: از سوی ایران هیچ پیشنهادی ندارم

ورزش: شاید این آخرین مصاحبه کی‌روش در ایران باشد. مصاحبه‌ای از جنس سخنان احساسی و همچنین پایان کار در ایران که آن را به صورت تلویحی می‌توان از سخنان این مرد پرتغالی درک کرد. کی‌روش در مورد آینده کاری‌اش گفت:
آن‌ها هیچ پیشنهادی مبنی بر ادامه کار به بنده ندادند. مهم‌ترین مطلب هشت سالی بود که یک سفر و رابطه خوب را پشت سر گذاشتیم. فدراسیون مستقیم پیشنهادی برای ادامه کار ندادند. البته اشکالی ندارد و طبیعی است. این یک رابطه هشت ساله و فوق‌العاده بود. الان یک نقطه شروع جدید برای هر دو طرف است. دو برابر تمامی آرزوهایی که برای من داشتند را برای آن‌ها طلب می کنم. هیچ صحبتی در خصوص کلمبیا ندارم و الان وقت استراحت است.

۵ ستاره‌ای که در جام ملت‌های آسیا درخشیدند

ورزش: به نقل از فاکس اسپورت، جام ملت‌های آسیا رو به اتمام است و روز جمعه دو تیم ملی فوتبال قطر و ژاپن باید در دیدار نهایی برابر هم به میدان بروند تا قهرمان این دوره مشخص شود. در این دوره بازیکنانی توانستند بدرخشند که شاید تا قبل از شروع جام ملت‌ها کسی آن‌ها را نمی‌شناخت و انتظار نداشت بتوانند در بین بازیکنان بزرگ حاضر در جام ملت‌ها بدرخشند.
مهند علی مهاجم عراقی ها، ریتسو دوان بازیکن جوان ژاپن، المعز علی مهاجم قطری و آقای گل این رقابت ها، طارق سلمان بازیکن جوان قطری و بسام راوی دفاع چپ تیم ملی قطر این پنج ستاره هستند.

رجزخوانی رسانه‌های قطری بعد از تحقیر امارات

ورزش: پیروزی قاطع قطر بر امارات در حالی به دست آمد که این کشور اصلاً رابطه سیاسی خوبی با اماراتی ها ندارد و هواداران [illegible]

پاداش یک میلیون دلاری به تیم ملی

[illegible]

منهای فوتبال

جدال صدرنشین و قعرنشین در دربی خوزستان

[illegible]

امروز ساعت ۱۵، مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی

رونمایی از پرسپولیس مجهز مقابل جادوگر

حمیدرضا خداشناس: تنها بازی باقیمانده از مرحله یک هشتم نهایی جام حذفی عصر امروز بین سپید رود رشت و پرسپولیس تهران در حالی برگزار می‌شود که در سوی دیگر جدول مسابقات جام حذفی عصر سه شنبه داماش گیلانیان موفق شد با پیروزی مقابل شاگردان علی دایی دست به شگفتی بزند و نخستین فینالیست این رقابت ها شود. حال اینکه برنده این مسابقه هر تیمی که باشد راه سختی تا فینال دارد؛ چرا که پیروز این دیدار ابتدا باید در مرحله یک چهارم نهایی به مصاف تیم دوم جدول لیگ برتر یعنی پدیده برود بعد از آن هم سپاهان صدرنشین لیگ در نیمه‌نهایی جام منتظر برنده این مسابقه خواهد بود! در واقع می‌توان پیش بینی کرد که قهرمان جام حذفی امسال از این طرف جدول خواهد آمد، البته به شرطی که بتوانند از سد تیم دسته دومی داماش گیلانیان عبور کنند! تیمی که لقب غول کش و شگفتی‌ساز در این فصل دارد. اما بدون شک طرفداران پرسپولیس منتظر رونمایی از سرخپوشان پس از باز شدن پنجره نقل و انتقالات هستند، هر چند برانکو در این بازی به احتمال زیاد مهدی ترابی ملی پوش جدید خود و احمد نوراللهی را نخواهد داشت اما سروش رفیعی، مهدی شیری و گلزن خارجی جدید در پرسپولیس مقابل سپیدرود رونمایی خواهند شد. پرسپولیس که در دو دوره اخیر لیگ برتر به قهرمانی رسیده و در لیگ قهرمانان آسیا چهره موفقی داشته در جام حذفی موفقیتی کسب نکرده و در مراحل ابتدایی از گردونه رقابت ها خارج شده است و در این فصل به دنبال شکستن طلسم موفقیت در جام حذفی است.
پرسپولیسی ها برای رسیدن به این مهم باید از سد جادوگر و شاگردانش بگذرند و با توجه به حذف سایپا در نیمه نهایی به خوبی می دانند که کار ساده ای در رشت نخواهند داشت؛ هر چند علی کریمی در این بازی نیمی از تیمش را در اختیار ندارد و با دسته بسته باید به مصاف پروفسور برود. پیام صادقیان، میلاد شیخ سلیمانی، میثم تهی‌دست و لوکا نوزادزه چهار بازیکن تیم علی کریمی هستند که دیدار مقابل پرسپولیس را به طور قطع به دلیل مصدومیت از دست داده‌اند. علاوه بر این بازیکنان، حسین ابراهیمی، محمدرضا مهدوی، علی عباسی و حامد محمودی نیز دیگر بازیکنانی هستند که با مصدومیت دست و پنجه نرم می کنند و حضور آن ها در دیدار جام حذفی در هاله‌ای از ابهام قرار دارد.
با همه این تفاسیر تقابل دوباره برانکو با شاگرد سابقش علی کریمی دیدنی و هیجان انگیز خواهد بود، بخصوص اینکه در این مسابقه یک تیم باید برنده شود؛ شاید حضور داماش در فینال این رقابت ها و شگفتی سازی این تیم گیلانی، انگیزه‌ای باشد برای سپیدرودی ها برای حذف یکی از مدعیان اصلی جام. از نکات قابل توجه اینکه سپیدرود در سه تقابل اخیر برابر پرسپولیس شکست خورده است.

رفعتی: VAR را در کلیه ورزشگاه‌ها اجرا می کنیم

به نقل از سایت رسمی فدراسیون فوتبال، داود رفعتی درباره برگزاری کلاس کمک داوران اضافی، گفت: با توجه به اینکه سیستم VAR پس از تایید فیفا در مسابقات لیگ راه اندازی می شود. برهمین اساس لازم است جلسات متعددی با فیفا داشته باشیم تا بتوانیم مجوزهای لازم را برای راه اندازی این سیستم بگیریم، تصمیم گرفتیم با مساعدت رئیس فدراسیون فوتبال از کمک داوران اضافی پشت دروازه استفاده کنیم.
وی افزود: قصد داریم در اولین مسابقه این سیستم را اجرا کنیم. برهمین اساس در بازی سپیدرود رشت و پرسپولیس از جام حذفی استفاده خواهیم کرد. ولی همزمان مسابقاتی که در ورزشگاه آزادی انجام می‌شود به صورت آف لاین از VAR استفاده می کنیم، منتها به داور منتقل نمی‌شود و فقط در بحث آموزشی داوران از آن بهره می‌برند تا ان‌شاءالله مجوزهای لازم را از فیفا بگیریم و این سیستم را در کلیه ورزشگاه ها پیاده کنیم.

جام ملت های آسیا

فردا شب فینال جام ملت‌ها در امارات برگزار می شود

نبرد غول قدیمی و غول جدید برای جام

امیرمحمد سلطانپور: شاید این جام ملت ها برای تیم ملی ایران پایان خوشی نداشت، اما نمی توان از شایستگی های دو فینالیست این دوره از مسابقات نگفت. قطر و ژاپن در حالی عصر جمعه از ساعت ۱۷:۳۰ در ابوظبی با قضاوت روشن ایرماتوف ازبک به مصاف یکدیگر خواهند رفت که هر دو بدون هیچ حرف و حدیثی پا به این مسابقه گذاشته و شاید از شانسی برابر برای بالا بردن جام برخوردار باشند.
قطر که برای اولین بار به فینال جام ملت های آسیا راه یافته، بزرگترین بازی تاریخ خود را جمعه پیش رو خواهد داشت، اما آن ها بارها در این تورنمنت نشان دادند که چقدر از نظر روانی و فنی برای این مسابقات آماده است. حضور در دو بازی کاملا سیاسی مقابل عربستان و امارات و سربلند بیرون آمدن از آنها، شکست کره جنوبی و زدن شش گل به کره شمالی، پیروزی در تمامی دیدارها و دریافت نکردن حتی یک گل، اگر نشان دهنده پیشرفت چشمگیر آن ها نیست پس چیست؟ چه تیمی می تواند در مرحله نیمه نهایی با آن جو سنگینی که تیم میزبان درست کرده و موقع پخش سرود ملی، همگی آن ها را هو می کنند مقابله کرده و با چهار گل امارات را در هم بکوبد؟ بله این را می دانیم که عنابی پوشان در ترکیب خود از چند بازیکن با اصلیتی خارجی استفاده می کنند اما این کشور آنقدر خوب برنامه ریزی کرده و آنقدر خوب از سرمایه های مالی خود برای پیشرفت فوتبالش استفاده کرده که بازیکنان و مربیان خارجی مانند یک قطری و حتی بیشتر حاضر هستند برای پرچم این کشور بجنگند. اشک های فلیکس سانچز سرمربی به ظاهر خارجی قطر که مقیم این کشور است بعد از پیروزی های آن ها خود گواه این ادعاست. اگر بخواهیم به زبان ساده‌تر بگوییم باید اشاره کنیم که قطر آنقدر کشور خوبی بوده که لازم نیست تنها با پرداخت پول یک بازیکن را به تابعیت خود درآورد، بلکه این بازیکن و یا مربی خارجی افتخار می کند که به عضویت تیم ملی این کشور در آمده و برای آن بجنگد.
از طرف دیگر ژاپن را داریم، همان ژاپن قدرتمند همیشگی که مانند تاریخش می تواند در همان زمان که همگی آن ها را دست کم می گیرند، رقیبانش را از دم تیغ بگذراند. قبل از جام های جهانی حتی اگر آلمان شرایط خوبی نداشته باشد این شعار در مورد آن ها وجود دارد که هیچوقت آلمان ها را دست کم نگیرید. ژاپن این دوره را می توان آلمان آسیا لقب داد. درست است که آبی پوشان ایران را به سختی شکست داده و مانع صعود تیم ملی به فینال شدند اما آنقدر خوب بودند که کمتر کسی به لیاقت آن ها شک کرد. پیش از بازی با ایران، ژاپن شاید از آن بی رحمی همیشگی برخوردار نبود اما هدف خود را می شناخت و به حرفه ای ترین شکل ممکن برای رسیدن به آن تلاش کرد همانگونه که مقابل عربستان و با آن بازی دفاعی نشان دادند. آن ها در مقابل ایران هم بیشتر از قدرت بالای فنی توانایی های خود از نظر ذهنی و اینکه یک تیم واقعی چگونه باید باشد را به معرض نمایش گذاشتند.
رقابت فردا میان ژاپن و قطر را می توان تقابل دو کشوری دانست که شاهد به ثمر نشستن نتایج سرمایه گذاری چند ساله خود در فوتبال هستند. قطر و ژاپن را نه الزاما قوی ترین تیم های جام بلکه می توان حرفه ای ترینِ آن ها لقب داد که در مقابل تیم های احساسات زده و هنوز با ذهنیت آماتور دیگر در جام ملت ها به راحتی می توانند راه خود تا فینال را هموار کنند. هیچگاه در فوتبال آسیا ندیده بودیم که دو تیم اینقدر با آسیا فاصله داشته باشند اما قطر و ژاپن شاید بهترین چیزی هستند که کنفدراسیون فوتبال آسیا در تلاش است تا با آن فوتبال این قاره را به جهان معرفی کند. تقابل دو تیم تسلیم ناپذیر، با روحیه و هدفمند که میدانند در کجا قرار داشته و در آینده به دنبال چه هستند. پیروزی در بازی فردا مسلما شیرینی خاص خود را برای قهرمان خواهد داشت اما بازنده نیز به هیچ عنوان دست خالی ابوظبی را ترک نمی کند.

داور ازبکستانی، تاریخ‌ساز شد

با اعلام کنفدراسیون فوتبال آسیا روشن ایرماتوف به عنوان داور دیدار فینال جام ملت های آسیا بین دو تیم قطر و ژاپن انتخاب شد. این داور ازبکستانی با این انتخاب به نخستین داور تاریخ جام ملت ها تبدیل شد که بیش از یک بار فینال این مسابقات را سوت می زند. او پیش از این در سال ۲۰۱۱ قاضی دیدار دو تیم ژاپن و استرالیا بود. دیدارهایی که در کشور قطر برگزار می شد و ژاپن با یک گل در وقت های اضافه از سد کانگروها گذشت.

المعز علی: به رکورد علی دایی فکر نمی کردم

المعز علی، آقای گل مسابقات جام ملت‌های آسیا گفت که به رکورد علی دایی در تاریخ مسابقات فکر نمی کردم. المعز علی در گفت‌وگو با سایت رسمی کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) درباره رسیدن به رکورد علی دایی در زدن هشت گل در یک دوره جام ملت‌های آسیا اظهار داشت: به این رکورد فکر نمی کردم. خدا را شکر مقابل امارات گل زدم و پدر و مادرم، مردم قطر و هم‌تیمی‌هایم را خوشحال کردم. به گلزنی برای هواداران فکر می‌کردم که این مهم را انجام دادم. حالا ما باید روی بازی مقابل ژاپن تمرکز کنیم و اطلاعات لازم را درخصوص این تیم به دست بیاوریم.

«روبن» راهی جی لیگ خواهد شد؟

ورزش: قرارداد آرین روبن در پایان فصل با باشگاه بایرن مونیخ به پایان خواهد رسید و با توجه به عدم مبادرت باواریایی ها به تمدید قرارداد با او، به نظر می رسد دوران ۱۰ ساله حضور روبن در آلیانس آره نا رو به پایان باشد.
خبرگزاری ژاپنی نیپون مدعی شد باشگاه اف سی توکیو خواهان به خدمت گرفتن آرین روبن است و شاید این وینگر ۳۵ ساله در سال های پایانی دوران ورزشی خود راهی ژاپن شود. در حال حاضر ستاره هایی چون آندرس اینیستا و لوکاس پودولسکی نیز در جی لیگ مشغول به بازی کردن هستند.

«کریستنسن» روی بورس

ورزش: نشریه سان معتقد است که بورسیا دورتموند و یوونتوس قصد دارند برای جذب آندریاس کریستنسن، مدافع چلسی، پیشنهادی ارائه کنند. مدافع ۲۲ ساله در زمان حضور کونته توانست به تیم اصلی راه پیدا کند ولی تحت هدایت مائوریزیو ساری، جایی در تیم پیدا نکرده و بیشتر سکو نشین و نیمکت نشین است. ساری هم از اینکه او در دیدار مقابل آرسنال، نیمکت را ترک کرده بود تا به دستشویی برود، بسیار عصبانی شده بود. احتمال جدایی او وجود دارد. مهدی بن عطیه، یووه را به مقصد الدحیل قطر ترک کرده و دورتموند برای کسب قهرمانی در بوندس لیگا به تقویت خط دفاعی می اندیشد.

آرون و مایک به انتخابی جام جهانی نمی‌رسند

سرمربی تیم ملی بسکتبال: برای صعود دو پیروزی می خواهیم

ورزش: سرمربی تیم ملی بسکتبال ایران گفت: به نظر من آرون گرامی‌پور و مایک رستم‌پور به مرحله ششم انتخابی‌های جام جهانی نمی‌رسند. مهران شاهین‌طبع در خصوص شرایط فعلی تیم ملی بسکتبال برای حضور در پنجره ششم انتخابی‌های جام‌جهانی ۲۰۱۹ اظهار کرد: برای حضور در این مسابقات اردوهای ما از شانزدهم همین ماه شروع می‌شود و شرایط کلی هم برای تیم ملی مساعد است. فعلاً نیز نفرات دعوت شده مشخص نیستند اما فکر می کنم با ۱۶ تا ۱۸ بازیکن اردوهای آماده سازی را آغاز کنیم.

تاثیر لیگ برتر

او در واکنش به این سوال که آیا لیگ‌برتر در حمایت از تیم ملی موفق بوده است یا نه؟ توضیح داد: شرایط کلی تیم ملی خوب است اما بازیکنان ما نیاز دارند که در لیگ تعداد بازی‌های بیشتری را پشت سر گذاشته و به میدان بروند. ان‌شاءالله برنامه‌ریزی‌های سال آینده به گونه‌ای باشد که بازیکنان در لیگ دفعات بیشتری به میدان بروند. در این فصل تعداد بازی‌ها کم بوده و اگر بتوان این موضوع را برطرف کرد فکر می کنم کمک کننده خواهد بود.

رضایت از ملی پوشان

شاهین‌طبع در پاسخ به این سوال که عملکرد تیم ملی را در پنج مرحله گذشته انتخابی‌های جام‌جهانی چگونه ارزیابی می کند؟ اظهار کرد: به نظر من عملکرد تیم ملی تا این مرحله خوب بوده است و به هر حال وقتی یک بازی به صورت طولانی مدت و مرحله به مرحله ادامه پیدا می کند، سازماندهی تیمی و سازماندهی کاری سخت‌تر است. من از بازیکنانم راضی هستم چرا که تا این مرحله خیلی زحمت کشیده‌اند و فدراسیون نیز سازماندهی خوبی را داشته است.

موفقیت در پنجره ششم

سرمربی تیم ملی بسکتبال در پاسخ به این سوال که آیا تیم ملی می‌تواند نمایش خوبی را در پنجره ششم انتخابی‌ها از خود نشان دهد؟ توضیح داد: به هر حال امیدوارم که عملکرد خوبی داشته و مقابل حریفان خوب بازی کنیم. به هر حال ما برای صعود نیاز داریم که در هر دو بازی پیروز شویم. همه تلاش ما این است که بالا برویم.

ضعف در پشتوانه سازی

او در پاسخ به این سوال که اصلی‌ترین نیاز و نقطه ضعف تیم ملی ایران چیست؟ اظهار کرد: به نظر من اصلی‌ترین موضوع پشتوانه سازی است که باید برطرف شود. فدراسیون هم برای سال‌های بعد برنامه‌های خوبی را طراحی کرده است و من فکر می کنم در آینده شرایط بهتر می‌شود.

شرایط ستاره ها

شاهین‌طبع در پاسخ به این سوال که آیا ۳۰ هزار فرانک مورد نیاز برای پیوستن آرون گرامی‌پور و مایک رستم‌پور به تیم ملی پرداخت شده است و آن‌ها به پنجره ششم انتخابی‌ها می‌رسند؟ گفت: به نظر من هر دوی آن‌ها به این مرحله از انتخابی‌ها نمی‌رسند و اطلاع دقیقی هم از پرداخت شدن یا نشدن این مبلغ ندارم. اما با این حال اگر قصد به کارگیری آن‌ها در تیم ملی بسکتبال را داریم باید حمایت‌های لازم صورت بگیرد.
سرمربی تیم ملی بسکتبال در خصوص شرایط حامد حدادی و صمد نیکخواه برای پیوستن به ترکیب تیم ملی نیز گفت: ان‌شاءالله که مسائل موجود حل شود و این بازیکنان به تیم ملی برسند اما ما سعی می کنیم به صورت انفرادی در مورد نفرات صحبت نکنیم چون همه آن‌ها زحمت می کشند. همه تلاش خود را می کنیم یک جمع خوب داشته باشیم تا تیم ملی نتایج خوبی را کسب کند.

ضد حمله

مالک جدید پدیده: قیمت منشا غیر منطقی بود

مالک جدید پدیده از مذاکره با دو بازیکن برای اضافه شدن به این تیم در نیم‌فصل نخست خبر داد.
فرهاد حمیداوی مالک جدید پدیده درباره انتقال رسمی این باشگاه که اتفاق افتاد تصریح کرد: خدا را شکر با عنایت امام رضا (ع) و کمک شرکت پدیده این انتقال رسمی شد و از این پس فقط به دغدغه‌های باشگاه فکر خواهیم کرد.
وی درباره هدف پدیده در ادامه فصل اضافه کرد: ما از هفته‌ها پیش روی برنامه‌های نیم‌فصل تیم کار کردیم و اردوی پدیده هم به خوبی در ترکیه برگزار شد. ما به دنبال مذاکره با بازیکنان مدنظرمان هستیم تا نیم‌فصل دوم را با قدرت آغاز کنیم. در حال حاضر در دو پست مهاجم و دفاع چپ در حال مذاکره با چند بازیکن هستیم تا با نظر مثبت سرمربی این بازیکنان به تیم اضافه شوند. مالک جدید این تیم درباره احتمال جذب منشا تصریح کرد: قیمت منشا برای ما غیر منطقی بود و به همین دلیل قید جذب او را زدیم.

مهاجم جدید استقلال به تهران آمد

ورزش: اسماعیل گونکالوس، مهاجم جدید تیم فوتبال استقلال وارد تهران شد. اسماعیل گونکالوس مهاجم گینه‌ای تیم فوتبال استقلال با اعلام باشگاه استقلال صبح دیروز وارد تهران شد و قرار است در تمرین آبی‌پوشان شرکت کند.

عزت‌اللهی ۳ هفته دیگر باز می گردد

ورزش: به نقل از سایت دتایل‌هورستند انگلیس، سعید عزت‌اللهی که به دلیل مصدومیت بازی‌های سه ماه اخیر تیم ردینگ در چمپیونشیپ را از دست داده بود تا سه هفته دیگر مهیای حضور در میدان می‌شود.
سعید عزت‌اللهی در اردوی مهر ماه گذشته تیم ملی فوتبال ایران و پیش از بازی دوستانه با بولیوی مصدوم شد و از آن زمان تاکنون مراحل [illegible]

سفر فرش آرا به قم به امید کسب سوغات

[illegible]

سید جلال به سپیدرود می رسد

[illegible]

بازگشت کاوه رضایی به تمرینات بروژ

[illegible]

تراکتورسازی و استقلال محروم از جذب بازیکن؟

[illegible]

ورزش در سیما

[illegible]

مدیر روابط عمومی وزارت ورزش بیان کرد

به دنبال مربی بزرگتر از کی روش هستیم

ورزش: «زین الدین زیدان»، «یورگن کلینزمن» و «ژوزه مورینیو» نام های بزرگی در فوتبال اروپا و جهان هستند که بنا به ادعای مطرح شده از سوی وزارت ورزش و مدیر مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی این وزارتخانه طرفِ مذاکره فدراسیون فوتبال ایران برای هدایت تیم شده اند.
مازیار ناظمی در گفتگو با مهر با تاکید بر اینکه فدراسیون فوتبال [illegible]

یادداشت

به دنبال مربی بومی باشید

[illegible]

شعار طرفداران اتلتیکو برای خرید رئالی که خود دوستش ندارند

موراتا کمتر، بورخا گارسس بیشتر!

رونان مرفی: همین چند روز پیش بود که آلوارو موراتا بازیکن شکست خورده در تیم چلسی به اتلتیکو مادرید بازگشت، یعنی جایی که فوتبالش را در آنجا آغاز کرده بود. اما بسیاری از طرفداران روخی بلانکو از آمدن موراتا به مادرید خوشحال نیستند و این فقط به خاطر وابستگی او به رئال مادرید نیست.
با اینکه شاید عده‌ای از جذب ستاره‌ای در حد و اندازه های آلوارو [illegible]
هدایت اتلتیکو را به عهده دارد و بهتر از هر کسی می داند راضی نگه‌داشتن هسته مرکزی هواداران روخی بلانکو یکی از مهمترین جنبه های کار او در مادرید است. اما با این وجود تاکید کرده که به نظر هواداران احترام می گذارد اما کسب نتیجه برایش بیشترین اهمیت را دارد. البته نباید فراموش کنیم که بسیاری از این نارضایتی ها از خرید موراتا به همان رگه های رئالی او بر می گردد؛ [illegible]

هفته چهاردهم لیگ برتر هندبال

دربی روی سی و سه پل

[illegible]

خبر

حمید حسام سفرنامه هیروشیما را منتشر می‌کند

باشگاه خبرنگاران: حمید حسام سفرنامه‌اش به هیروشیما را به انتشارات سوره مهر سپرد. این اثر روایت سفر او به همراه جانبازان به ژاپن در سال ۹۱ است. کتاب «سفر به روایت سرفه‌ها: سفرنامه هیروشیما»، سفرنامه‌ای به قلم حمید حسام، از نویسندگان دفاع مقدس است که سفر جانبازان شیمیایی و اعضای موزه صلح تهران به توکیو و هیروشیما در تابستان ۱۳۹۱ را روایت می‌کند. نویسنده برای شرکت در مراسم سالگرد حمله اتمی آمریکا به هیروشیما به دعوت گروه پل از ژاپن و هماهنگی انجمن حمایت از قربانیان سلاح‌های شیمیایی به هیروشیما سفر کرده است. در این سفر اعضای این انجمن و تعدادی از جانبازان شیمیایی، حسام را همراهی کردند و این کتاب نتیجه دیده‌ها و شنیده‌های وی در ژاپن و بویژه هیروشیماست. نویسنده در این سفر هشت روزه به تک‌تک لحظات ارج نهاده و کار خود را از ابتدای سفر با خاطره‌نویسی آغاز کرده است.این اثر که پیشتر از سوی نشر صریر روانه بازار کتاب شده بود، قرار است در چاپ‌های جدید توسط انتشارات سوره مهر منتشر شود.

طراح سیمرغ جشنواره فجر:

از نمایشگاه «هنر مقاومت» به وجد آمدم

مهر: ابراهیم حقیقی گرافیست، طراح و دبیر جشنواره هنرهای تجسمی فجر در بازدید از آثار منتخب پنجمین جشنواره «هنر مقاومت» عنوان کرد که طراحی پوسترهای سینمایی پسرفت داشته است. طراح سیمرغ جشنواره فیلم فجر افزود: در بحث پوسترهای سینمایی کشور و به طور کلی تبلیغات فیلم‌ها متأسفانه دچار پسرفت هستیم که این موضوع به نظر من دو عامل اصلی دارد؛ یکی مفاهیم سخیف و مبتذل فیلم‌ها که در پوستر این فیلم‌ها هم به وضوح شاهد این مورد هستیم و عامل دیگر کج سلیقگی طراحان پوستر فیلم‌هاست، که این دو عامل سبب اصلی رکود و پسرفتِ کاملاً مشهود گرافیک پوسترهای سینمای کشور است. حقیقی درباره طراحی منحصر به فرد و خاص نمایشگاه پنجمین دوره جشنواره «هنر مقاومت» عنوان کرد: با دیدن فضای بدیع و خلاقانه این نمایشگاه به وجد آمدم، چراکه با ساده‌ترین مصالح و به شیوه‌ای کاملاً نو و بدیع، پیام اصلی و مضمون نهفته در نمایشگاه به بازدیدکننده القا می‌شود.

گفت‌وگو با دکتر محمد تقوی، دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی درباره تأثیر تولیدات ادبی فضای مجازی بر زبان فارسی

من‌های «شخصی» ماندگار نمی‌شوند

ادب و هنر/ تهمینه بهزادی منش | شاید از پیامک زدن شروع شد. دستمان از تایپ کردن خسته می‌شد. برای همین سعی می‌کردیم تا جایی که می‌شود کمتر بنویسیم و برای همین کم‌کم بعضی کلمات را کوتاه کردیم؛ «که» را نوشتیم «ک»، «چه» را «چ»، «به» را «ب». نوشتن فعل‌ها هم سخت بود. برای همین به جای «زنگ بزن» نوشتیم «بزنگ» و چیزهایی شبیه به این. وقتی هم که پای شبکه‌های اجتماعی به زندگی‌مان باز شد این غلط‌ها را آنجا هم بردیم.
توجیه کاربران هم معمولاً این است که «اگر بخواهیم همه کلمات را کامل بنویسیم کلی طول می‌کشد» بعد هم این‌طور نوشتن کم کم شد عادت!
خیلی‌ها این غلط‌ها را نشانه کم‌سوادی جوان‌ها می‌دانند. اینکه خیلی از جوان‌ها دیگر کتاب خواندن را دوست ندارند و کمتر سرشان را با آن گرم می‌کنند.
خلاصه اینکه زبان نوشتاری و گفتاری مردم به سمت و سویی رفته که موجب نگرانی بعضی از کارشناسان فرهنگی شده و بیشتر آنان از ضرورت برنامه‌ریزی برای حفظ این بخش مهم از فرهنگ و هویتمان خبر می‌دهند.
در صفحه امروز در خصوص وضعیت فعلی زبان و ادبیات فارسی و تأثیری که فضای مجازی بر این زبان می‌تواند بگذارد، با دکتر محمد تقوی دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی صحبت کرده‌ایم که می‌خوانید.
محمد تقوی در حال حاضر رئیس مرکز آموزش زبان فارسی به غیر فارسی زبانان دانشگاه فردوسی و سردبیر نشریه جستارهای نوین ادبی هم می‌باشد.

◆ به نظر شما فضای مجازی می‌تواند چنان تأثیری بر زبان و ادبیات فارسی بگذارد که موجب تغییر ساختاری زبان شود؟
در حوزه زبان حتماً تأثیرگذاراست بخصوص زبانی که در سطح گفتاری و از طریق آن با هم ارتباط برقرار می‌کنیم، اما در حوزه ادبیات و در حوزه زبان رسمی و آکادمیک این تأثیر بسیار کمتر است؛ چون کسانی که در این زمینه‌ها کار می‌کنند بیشتر با متون جدی سر و کار دارند تا با نوشته‌های روزمره و روزنامه‌ای.
در حوزه فضای مجازی بیشتر به دلیل توجه به سرعت انتقال اطلاعات، دخل و تصرف‌هایی را در زبان به عمل می‌آوریم، اما در حوزه‌هایی مثل ادبیات و یا زبان علمی و آکادمیک، سرعت، موضوعیت پیدا نمی‌کند و مطلب باید با تأمل و دقت به نگارش درآید، به همین دلیل فضای مجازی در این حوزه نمی‌تواند تأثیرگذار باشد.

◆ یعنی موجزنویسی و کم نویسی که در فضای مجازی رایج شده، تأثیری بر ساختار زبان نمی‌گذارد؟
اگر منظور از ساختار، نحو و دستور است که تأثیرگذار نیست، چون ساختار دستوری با ذهن و فکر اهل زبان سر و کار دارد و تنها به مفردات و شاکله‌های مربوط به رابطه لفظ و معنا محدود نمی‌شود. در این زمینه اگر تأثیر بگذارد از طریق بافت‌های زبان بین‌المللی است، چون مسئله‌ای که زبان را تهدید می‌کند، دخل و تصرف در جنبه نحوی و یا دستوری زبان است که این هم ممکن است نادانسته از نحو زبان انگلیسی، عربی و یا هر زبان دیگری وارد زبان ما شود.این مسئله هم فرایند طولانی دارد و به نظر می‌آید کسانی که به نحوی متولی حفظ چارچوب‌های زبانی هستند، در این موارد دخالت می‌کنند و سبب می‌شوند حداقل در سطوح آکادمیک چندان تغییری ایجاد نشود.

◆ یعنی معتقدید غلط نویسی‌هایی که خیلی هم زیاد دیده می‌شود، مثل کاربرد نادرست «را» مفعولی، گذاشتن «ه» به جای کسره مثلاً به جای نوشتن «کتاب من» می‌نویسند

برش

> در همه دنیا آثار ماندگار و جاودانه باید سنخیت و تناسبی با ذهنیت، اندیشه و ذوق و سلیقه اهل زبان داشته باشد. پدیده‌های شخصی و فردی و یا قالب هایی که مبتنی بر احساسات زودگذر هستند، به دلیل فضاهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متغیر، دوام پیدا نمی‌کنند

«کتابه من» یا «ک» به جای «که» در طولانی مدت، به زبان فارسی ضربه نمی‌زند؟
ببینید، نمی‌توان درباره این مسئله با قاطعیت پاسخ و نظر داد، چون در طول تاریخ این دخل و تصرف‌های سلیقه‌ای و بی ضابطه اتفاق افتاده است، ولی به هر حال اهل زبان توانسته‌اند استقلال و چارچوب‌های زبانی را حفظ کنند.
مهم‌ترین مسئله در فضای مجازی سرعت انتقال است. می‌خواهید در کوتاه‌ترین زمان ممکن حق مطلب ادا شود و فرصتی برای ادای درست آن وجود ندارد، بنابراین مجبورید مثل زبان گفتار، خیلی از اجزای کلمات را حذف و مخفف کنید. مثلاً به جای نوشتن «می‌گویم» بنویسید «می‌گم» این نوع نوشتن، برگردانی از زبان گفتاری است که من از اول حد و مرز این‌ها را جدا کردم. زبان نوشتاری آن قدر جدی نیست که به خاطر چنین دخل و تصرف‌هایی احساس خطر کنیم، چون این‌ها با همان سرعتی که وضع می‌شوند، با همان سرعت از بین می‌روند و معمولاً به متن مکتوبی تبدیل نمی‌شوند.
اگر همین‌ها به متن مکتوب بدل شود و مثلاً در قالب آثار روایتی، داستانی و علمی منتشر شود، آن زمان باید نگران بود چون ممکن است این طور اقتباس شوند و سبب شلختگی زبان فارسی شود.

◆ فضای مجازی موجب به وجودآمدن شیوه‌های نوینی مثل وب نوشت، ابرداستان، پیدایش شعر دیجیتالی و یا گسترش شعر تصویری هم شده است. این شیوه‌های نوین را چطور ارزیابی می‌کنید؟
حوزه‌های مفهومی که یک شاعر از آن‌ها استفاده می‌کند و سعی می‌کند بیان کند، چند نوع است. بعضی از این‌ها دغدغه‌های کاملاً شخصی و فردی است و زبانش هم زبان فردی است.
با توجه به اینکه احساسات و اشکال بیانی که با این احساسات باید سازگاری داشته باشد، در هر دوره و زمانه‌ای متفاوت است و بخصوص در دنیای جدید که فردیت در همه زمینه‌ها از جمله در حوزه شعر و ادبیات غلبه کرده است، خواه ناخواه به جای تبعیت از قالب‌ها و سبک‌های کلاسیک و یا مشهور، عده‌ای دوست دارند خودشان الگوآفرینی کنند و از این کاربردها و تعابیری که تازگی دارد استفاده کنند. این‌ها با توجه به اینکه به شکل فردی انجام می‌شود، ممکن است در مقطع زمانی محدودی مورد توجه مخاطب باشد، اما وقتی بتدریج جلو می‌رویم، آن‌هایی که سازگاری بیشتری با سنت‌های قدیم و جدید شعری ما دارند، ماندگار می‌شوند و سبک‌ها و شیوه‌هایی که در حد شخصی و فردی است خودبه خود فراموش می‌شوند.
از این نوع اتفاقات در دهه‌های پیشین و پس از ظهور نیما داشته‌ایم، خیلی از جریان‌های شعری نوظهور بوده‌اند و پس از چند سال از بین رفته‌اند و البته مواردی هم هست که با پشتوانه‌های نظری همراه بوده‌اند و ماندگار شده‌اند؛ بنابراین این‌ها را نباید جدی گرفت، چون با گذشت زمان راه خودشان را برای رفتن یا ماندن پیدا می‌کنند.

◆ ظهور و بروز همین پدیده‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید. آیا سبب پویایی شعر و ادبیات معاصر و یا درجا زدن می‌شود؟
بله، سبب تنوع و تکثر در عرصه شعر می‌شوند، اما در همه دنیا آثار ماندگار و جاودانه باید سنخیت و تناسبی با ذهنیت، اندیشه و ذوق و سلیقه اهل زبان داشته باشد. پدیده‌های شخصی و فردی و یا قالب هایی که مبتنی بر احساسات زودگذر هستند، به دلیل فضاهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی متغیر، دوام پیدا نمی‌کنند و بتدریج جای خودشان را می‌دهند به همان انواع اصیل تر.
یکی از مسائلی که اکنون در عرصه شعر و شاعری مطرح است و این پرسش همواره مطرح می‌شود که چرا دیگر قله‌های ادبی ظهور و بروز پیدا نمی‌کنند، بر می‌گردد به همین مسئله که شعر گفتن نیازمند نوعی اشراف آگاهانه به مسائل فرهنگی، اجتماعی و فکری است.
اینکه شاعر من شخصی، من اجتماعی و یا من فرهنگی را اصل قرار دهد، در ماندگار شدن یا نشدن او تأثیر می‌گذارد. پدیده‌هایی که بر اساس «من» و احساسات فردی و شخصی به وجود می‌آید، همان طور که تنوع و تکثر زیادی دارند و سریع ایجاد می‌شوند، سریع هم فراموش می‌شوند، چون مخاطبان باید آن شرایط خاص و حال و هوای شخصی را داشته باشند تا با آن ارتباط برقرار کنند، اما وقتی «من» اجتماعی در اثر ادبی پررنگ شود، خواه ناخواه دایره وسیع‌تری از مخاطبان را در بر می‌گیرد.

آگهی فقدان سند مالکیت

متن آگهی مزایده

آگهی آراء هیات حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

گفت‌وگو با محمدمهدی خالقی سازنده مستند «به توان چهل» که آخر هفته‌ها از شبکه مستند پخش می‌شود

روایت پیشرفت از قاب دوربین نسل جوان

سیما و سینما/جواد شیخ الاسلامی این روزها و به مناسبت ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی، مجموعه مستند «به توان ۴۰» با موضوع پیشرفت‌های ایران اسلامی در حوزه‌های مختلف فناوری، صنعتی، علمی، کشاورزی و... به تهیه‌کنندگی، نویسندگی و کارگردانی محمدمهدی خالقی از شبکه مستند سیما در حال پخش است. وی یکی از کارگردانان پرکار در عرصه مستند انقلاب اسلامی است که پیش از این مستندهای بسیاری با محوریت موضوع انقلاب اسلامی و مقاومت ساخته و موفق به دریافت جوایزی هم شده است. مستند «به توان چهل» یک مجموعه ۱۵ قسمتی با موضوع پیشرفت است و بر آن بوده تا به دستاوردهای کشور در این ۴۰ سال نگاه روشنی داشته باشد. علاقه‌مندان می‌توانند پنجشنبه و جمعه هر هفته ساعت ۱۹:۱۵ به تماشای این مجموعه مستند بنشینند. با محمدمهدی خالقی درباره مسئله پیشرفت و چگونگی ساخت «به توان ۴۰» به گفت‌وگو نشستیم که در ادامه می‌خوانید:

چرا در موضوع پیشرفت کمتر کار داستانی و غیرداستانی ساخته شده است؟

این را باید از مسئولان سیاست‌گذار و فیلمسازان پرسید. اما اساساً مسئله پیشرفت در نظام جمهوری اسلامی به سینمای داستانی ما کمتر ورود پیدا کرده است. سینمای داستانی ما عادت کرده که یک سینمای زِرناله باشد و فقط سیاه‌نمایی کند. چرا ناله کند؟ به خاطر اینکه رسانه‌های آن طرف آبی تو را مشهور می‌کنند. تابعیتی می‌گیری و زندگی مادی‌ات تأمین می‌شود. البته یک حرکت‌هایی شروع شده که بیشتر هم برمی‌گردد به جوشش نسل جوان انقلاب، از جشنواره عمار تا مقاومت. ولی جمع کردن لجن‌های کف این استخر خیلی سخت است. طول می‌کشد، ولی شدنی است. البته برای من از دل این پروژه چند سوژه داستانی باقی مانده که اگر عمر اجازه بدهد؛ آن‌ها را خواهم ساخت، ان‌شاء‌الله.

درباره موضوعات پیش‌فرضی هم داشتید که اگر مردم روی موضوعی واکنش بهتری نشان بدهند آن را در اولویت قرار بدهید؟

یکسری کلیشه‌های ذهنی وجود داشت که بر اساس تکرارهای رسانه‌ای بود، اما زود از آن‌ها عبور کردم. مثلاً نانوفناوری در ذهنم بود. اما اصلاً فکر نمی‌کردم یکی از قسمت‌ها درباره تیراندازی بانوان باشد. یا فکر نمی‌کردم طرح‌های اشتغال‌زایی کمیته امداد امام خمینی(ره) یکی از قسمت‌های نهایی باشد. بعضی موضوعات هم در مرحله پژوهش میدانی اندازه‌هایش بیشتر معلوم شد. مثلاً من فکر نمی‌کردم در صنعت کشتی‌سازی اینقدر پیشرفت کرده باشیم یا در حفاری چاه‌های نفت یکی از قدرت‌های برتر دنیا باشیم. جالب است شرکت ملی حفاری یک نهاد انقلابی به حساب می‌آید. مثل جهاد سازندگی، بسیج، کمیته امداد و... که در سال ۵۸ با فرمان امام(ره) و پس از خروج مهندسان خارجی تأسیس شده است.

برای جذابیت کار و فیلمنامه چه کردید؟ مثلاً درباره مخاطب چه نگاه و رویکردی داشتید؟

در مرحله پژوهش یکی از کارهایی که انجام دادم، شناسایی شبهات و پرسش‌های مردم نسبت به موضوع بود. از دل این‌ها مخاطب هدف مشخص شد. دیدیم مخاطب دوستدار انقلاب اسلامی، مسئله پیشرفت را باور دارد اما اطلاعاتش کم است و مخاطبی که شک و شبهه دارد، دچار عدم باورپذیری است. پس باید کارها را آنقدر واقعی می‌ساختیم که قابل باور باشد. اینجا تصمیم گرفتیم که مجموعه، یک راوی واحد برای همه قسمت‌ها داشته باشد. کسی که خوش‌تیپ، خوش‌صدا، جوان و امروزی باشد و لازم هم نیست در مسائل سیاسی و اجتماعی به طور کامل با ما هم‌عقیده باشد. کار دیگری که انجام دادیم، در مرحله تصویربرداری بود. سعی کردیم کارشناسان و مصاحبه‌شوندگان مجموعه از طیف مهندسان و کارگران انتخاب شوند و کمتر سراغ مدیران دولتی برویم. جاهایی هم که مدیران هستند، از نظر میزانسن طوری رفتار کردیم که حس گزارشی و اتوکشیده نداشته باشد و در نهایت سعی کردیم رگه رقیق و نمکینی از طنز در کار داشته باشیم.

درباره پیشرفت‌ها یک نکته هم تلقی‌های رسانه‌ای ساخته شده در اذهان مردم، درباره کارآمدی نظام است. بخصوص در مسائل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی. در این باره هم رویکرد و توجهی داشتید؟

بله. قطعاً یکی از اصلی‌ترین اهداف ساخت این مستندها اثبات مسئله کارآمدی نظام است. مضمونی از امیرالمؤمنین(ع) به خاطر دارم که ایشان می‌فرمایند: زمانی از همیشه به من سخت‌تر گذشت. آن هم وقتی بود که به من گفتند تو از معاویه بهتری! یعنی حتی مقایسه‌اش زشت و دردناک است. اکنون در نظام ما هم وقتی به انسان فشار می‌آید که یک نظامِ عقب‌مانده دیکتاتوری که در معده هفتم غرب هضم شده را با نظام جمهوری اسلامی مقایسه کنی، که از دل مردم بیرون آمده و با مردم رشد کرده و دائم انتخابات برگزار کرده و رهبری متکی به مردم دارد. به نظر من این مقایسه با هر نتیجه‌گیری غلط است. نظامی که لحظه به لحظه، در عین همه موانع، پیشرفتش متوقف نشده است. وقتی روی کاغذ و براساس پژوهش هم بررسی می‌کنیم، حتی با نگاه غربی‌ها، انقلاب اسلامی با نظام پیش از خودش قابل مقایسه نیست. در ۱۵ قسمتی که ما ساختیم هم این کاملاً مشخص است که در چه وضعیتی بوده‌ایم و حالا در چه وضعیتی هستیم. مثلاً درباره شرکت ملی حفاری با سه نفر از کارمندان رسمی که سال ۴۸، ۴۹ و ۵۱ استخدام شده بودند و در زمان شاه کار کرده بودند، مصاحبه گرفتیم. سه سند زنده که شهادت می‌دادند پیش از انقلاب ۵۰-۴۰ شرکت خارجی اینجا را اداره می‌کردند و انقلاب که شد همه‌شان جمع کردند و رفتند و بچه‌های رده پایین ایرانی نگذاشتند اموال شرکت به یغما برود. در تمام زمینه‌ها همین است. مثلاً در ورزش بانوان طبق پژوهشی که انجام دادیم، مشخص شد که ما پیش از انقلاب اصلاً به شکل امروزی ورزش قهرمانی بانوان نداشتیم. اینکه می‌گویند زنان پیش از انقلاب در ورزش فعال بوده‌اند دروغ محض است. یک ورزش ویترینی بوده که بیشتر روی مجله‌های زرد نمود داشته است. در کل ورزش بانوان پیش از انقلاب ما فقط پنج تک مدال در دو دوره بازی‌های آسیایی داریم. که چهار تا مربوط به بازی‌های آسیایی تهران است و فقط در رشته تیراندازی. این مدال‌ها هم بیشتر به دلیل ضعف دیگر کشورهای آسیایی است تا قوت ما. ولی پس از انقلاب بانوان روز به روز در ورزش قهرمانی پیشرفت کرده‌اند. دلیلش قطعاً این است که با انقلاب اسلامی بانوان از آن فضای تبرجی و نمایشی خارج شدند و به فکر کار جدی افتادند. در این قسمت ما بانوی تیراندازی را می‌بینیم که در دو المپیک به فینال رسیده و ورزشکاران دیگری که مدال‌های زیادی در آسیا و جهان در همه رده‌ها به دست آورده‌اند؛ آن هم با حفظ حجاب. تازه ما فقط یک ورزش را بررسی کردیم و افتخارات و مدال‌ها بسیار بیشتر از این است.

از سختی‌ها و پیچیدگی‌های کار بگویید.

در یک تیم فوتبال همه تلاش می‌کنند و توپ را جلوی دروازه می‌آورند. آنجاست که باید یک نفر توپ را گل کند. در یک حکومت هم کسی که باید توپ را گل کند دولت است. بزرگ‌ترین سختی ساخت این مجموعه مواجهه با مشکلات مدیریتی، اقتصادی و کارگری در مجموعه‌هایی بود که به آنجا مراجعه می‌کردیم. متأسفانه ما با یک دولت بی‌عرضه طرف هستیم. یک دولت کم‌کار، خواب‌آلوده و پرحرف که به اندازه‌ای که حرف می‌زند کار نمی‌کند. اگر ما می‌خواستیم بر اساس اختلاف‌های سیاسی فیلم بسازیم و آن‌ها را پررنگ کنیم؛ لااقل در این دوره نباید به توان ۴۰ می‌ساختیم. چون بیشتر مجموعه‌ها به نحوی وابسته به دولت است اما برای ما نظام جمهوری اسلامی که دولت هم جزو آن‌هاست، مهم است. ایشان رئیس‌جمهور است و ما به او احترام می‌گذاریم اما برای بنده، آقای روحانی فرع نظام است. یعنی اگر آقای روحانی هم مسائل سیاسی را لحاظ نکند؛ باید به جای آقای ظریف به بنده به عنوان سازنده این مجموعه مدال افتخار بدهد. چون هیچ‌کدام از هنرمندان طرفدار دولت قائل به گفتمان امید نیستند و فقط سیاه‌نمایی می‌کنند. خواستم بگویم در این مجموعه شما با علاقه‌مندی‌های سیاسی من مواجه نیستید. من هر آنچه دیدم را بدون کم و کاست و بدون توجه به هر مسئله‌ای بازتاب داده‌ام. مثلاً درباره خودکفایی بنزین که سوژه‌اش پالایشگاه ستاره خلیج‌فارس است؛ دولت آقای روحانی سیاسی‌کاری نکرده و برای رسیدن به این خودکفایی کار را به دست یک تیم جهادی و باانگیزه داده است و حالا به آن افتخار می‌کند. همه این‌ها را ما بدون کم و کاست در آن قسمت دیدیم.

قسمت‌هایی که من تاکنون دیده‌ام، کار از نظر فنی هم چشم‌نواز و به اصطلاح خوش ساخت است.

این نظر لطف شماست. ما برای رسیدن به این فرم خیلی زحمت کشیدیم. در حوزه تصویر نماهای حرکتی با وسیله حرکتی جدیدی مثل گیم‌بال گرفته شده که امکان تصویربرداری حرکتی سیال و بدون لرزش را با دوربین‌های DSLR فراهم می‌کند. در این حوزه آقای علی‌محمد خانیکی مدیر تصویربرداری به توان ۴۰، جزو پیشرفت‌های حوزه تصویر در مشهد هستند. در حوزه تدوین هم آقای مجتبی احسانی سرپرست تدوین، کار تدوین را به شکل گروهی و با چند تدوینگر و دستیار انجام دادند که این هم پیشرفت خوبی در کارهای ما به حساب می‌آید. همچنین آقای محمدصادق رمضانی‌مقدم که یکی از جوان‌های خوب فیلمساز مشهد هستند؛ مشاور فیلمنامه و کارگردان کار بودند و موجب افتخار بود که در حوزه گرافیک در خدمت استاد سیدمحمدرضا میری بودم. مجموعه این عوامل حرفه‌ای، متعهد و باانگیزه سبب شد که به گفته خیلی‌ها به توان ۴۰ از نظر فنی قابل قبول شده است. این را همین جا بگویم که ما تنها تیم کاملاً مشهدی بودیم که کاری را برای شبکه سراسری ساختیم.

اصولاً موضوع پیشرفت چقدر ظرفیت برای کار دارد؟

من دوستان هنرمند را ارجاع می‌دهم به فضای سینما و مستند هالیوود. مثلاً ما یک گونه مستند داریم که دائم از رسانه‌های ما هم پخش می‌شود به نام مستندهای علمی. درباره ساخت یک سد، یک بزرگراه، فلان داشته‌های فیزیک یک دانشگاه و... این مستندها درواقع مستند امید و پیشرفت است. تا حالا فکر کرده‌ایم که آمریکایی‌ها چرا این حجم انبوه مستندهای علمی می‌سازند؟ چون به دنبال این هستند که بگویند: «ما پیشرفت کرده‌ایم، ما برتر هستیم و همه دنیا را با علممان تحت سلطه می‌گیریم». من می‌گویم اگر در این سینما نمی‌خواهید ایرانی باشید، تو را به خدا کمی آمریکایی باشید! شما فیلم‌های داستانی هالیوود را دنبال کنید. در سال چندین مستند سیطره‌گرا، امیدبخش، حماسی و پرشکوه می‌سازند. تپه هکسا فیلم مل گیبسون چیست؟ سیاه‌نما و زِرناله یا حماسی و امیدبخش؟ تاریک‌ترین ساعت، که برشی از زندگی چرچیل در جنگ جهانی است، فیلم امید است یا سیاه‌نما؟ سینمای دنیا هر سال کلی فیلم رو به آینده و با موضوع پیشرفت می‌سازد. اما اینکه چرا سینمای ایران چشمش را به روی پیشرفت‌های فرزندان این کشور بسته باید دلیلش را در همان جهت‌دهی غربی‌ها و جشنواره‌های سیاه اروپا جست‌وجو کرد.

حاشیه

«امید» و «پیشرفت» مسئله من است

درست است که این مجموعه به مناسبت جشن‌های ۴۰ سالگی انقلاب اسلامی ساخته شده، اما برای من دغدغه‌اش به سال‌های گذشته برمی‌گردد. از روزی که فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی و هنری را شروع کردم؛ این نگاه وجود داشت. بخصوص از دوره‌ای که با آقای وحید جلیلی همراه شدیم. اندک تجربه‌هایی در روزنامه ابرار بود اما این نگاه در ماهنامه سوره «تحریریه چهارم» جدی‌تر شد. سوره نگاه رو به جلویی داشت و به ما یاد می‌داد که در کنار فعالیت‌های انتقادی، عدالتخواهانه و مطالبه‌گری باید به دستاوردها هم نگاه روشنی داشت. از همان موقع فهمیدیم که دستاوردهای انقلاب اسلامی کم نیستند.

به همین دلیل در بیشتر کارهایی که ساخته‌ام توجه به دستاوردها، پیشرفت‌ها و امیدها وجود دارد. حتی این نگاه را صرفاً نسبت به ایران نداشته‌ام؛ در مستندهای افغانستان، سوریه، عراق، آفریقا، بنگلادش و... هم همین بوده است. مسئله امید و پیشرفت برای من مبنایی است و در آن تجربه دارم. اما مسئله دوم اینکه چرا این مجموعه مستند را امسال ساختم؟ شاید دلیل اصلی‌اش این بود که امسال آمادگی فضای رسانه‌ای برای حمایت از این نوع موضوعات بیشتر بود.

دلم قرص شد...

ابتدا یکسری موضوعات شناسایی شد و از دل این موضوعات ۶۰-۵۰ مصداق انتخاب شد و در ادامه تحقیق هر مرحله تعدادی حذف شد تا به ۲۰ سوژه نهایی رسیدیم. در پژوهش تنها به منابع اینترنتی اکتفا نکردم و سعی کردم هر آنچه در این زمینه وجود دارد-که زیاد هم نبود- را بخوانم. بعد شروع کردم به مشورت و با هرکس که فکر می‌کردم در این حوزه کار کرده یا دغدغه دارد، تماس گرفتم. در این مرحله دو گروه که کار پژوهشی خوبی انجام داده بودند را پیدا کردم؛ یکی گروه آقای بذرافکن در دانشگاه امام حسین(ع) که مجموعه موشن گرافیک «ایران ۲۰» یکی از خروجی‌های این گروه است. یک گروه دیگر هم بود که دیرتر شروع کرده بودند اما کارشان قوی‌تر و متکی به منابع معتبر بین‌المللی بود و اصولاً از منابع داخلی استفاده نکرده بودند. این‌ها گروه مسجد امام رضا(ع) دانشگاه فردوسی با مدیریت حجت‌الاسلام سید محمدحسین راجی هستند. پروژه این گروه به «صعود ۴۰ ساله» گروه معروف شد. وقتی کار این دو را دیدم دلم قرص شد. مطمئن شدم که اگر متکی بر یک پژوهش بنیادین هم داوری بکنیم واقعاً پیشرفت داشته‌ایم. یک نکته را هم خوب است بگویم که در تمام این مراحل و به طور دائم با آقای سیدسلیم غفوری، مدیر شبکه مستند در حال مشورت بودم.

پیشرفت به وسعت ایران

سوژه‌های بیست‌گانه همه تهرانی نبودند و از خراسان رضوی و جنوبی تا کرمان، هرمزگان، اصفهان، قم، تهران، اردبیل، فارس، چهارمحال و بختیاری و اصفهان را شامل می‌شد که این مسئله کار تحقیق میدانی و تصویربرداری را سخت می‌کرد. ویژگی دیگر این کار، این بود که نگاهمان تنها به بخش دولتی نبود.

مثلاً درباره فناوری نانو، شرکتی خصوصی در اردبیل موضوع ماست. در بخش‌های دولتی هم قسمت‌هایی هست و حتی قسمت‌هایی به مجموعه‌های خصوصی دولتی اختصاص دارد. و به این دلیل است که پیشرفت در تمام سطوح نظام قابل دیدن است. تعداد قسمت‌ها می‌توانست خیلی بیشتر باشد. یعنی با حفظ همین ریتم و کیفیت حداقل تا ۵۰-۴۰ قسمت قابل ادامه دادن است و امید دارم بتوانیم فصل‌های بعدی این کار را هم بسازیم.

مثلاً در هنر می‌توانیم شعر و کاریکاتور را جزو پیشرفت‌ها بدانیم یا مثلاً در فقرزدایی، یارانه‌ها خودش یک موضوع است که جزو پیشرفت‌های نظام است. در کشاورزی و دامپروری چند سرفصل دیگر داشتیم که می‌توانستیم کار کنیم. در یکسری مظاهر شهری مثل ساخت سازه‌های عظیم مثل پل‌ها و تونل‌ها همین طور.

یادداشت

آرش شفاعی

مشکلی حل نشده به نام فیلم مستند

در فهرست فیلم‌هایی که برای نمایش در سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر، انتخاب شده‌اند، پنج فیلم مستند نیز حضور دارند. این فیلم‌ها که با سلیقه هیئت انتخاب بخش مستند متشکل از مرتضی رزاق کریمی، سلیم غفوری و آرش لاهوتی انتخاب شده‌اند، عبارتند از: «بهارستان خانه ملت» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی بابک بهداد، «تمام چیزهایی که جایشان خالی است» به تهیه‌کنندگی و کارگردانی زینب تبریزی، «خانه‌ای برای تو» به تهیه‌کنندگی مهدی شامحمدی و کارگردانی مهدی بخشی مقدم، «دلبند» به تهیه‌کنندگی الهه نوبخت و کارگردانی یاسر طالبی و «نت‌های مسی یک رؤیا» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی و کارگردانی رضا فرهمند. احتمالاً قرار دادن فیلم‌های مستند در مجموعه فیلم‌های نمایش داده شده در جشنواره و دادن یک سیمرغ به برگزیدگان آن‌ها، حرکتی در جهت تقویت جریان مستندسازی و حمایت از آن ارزیابی می‌شود و مسئولان جشنواره هم هر سال با همین نیت این کار را تکرار می‌کنند. هدفی که در جای خود ارزشمند است ولی شیوه اجرایی شدن این هدف‌گذاری آن چنان که باید و شاید مناسب نیست. راستش را بخواهید من فکر می‌کنم شیوه ارائه و نمایش فیلم‌های مستند اصلاً نه تنها موجب حمایت و دیده شدن آن‌ها نمی‌شود، بلکه سبب می‌شود این فیلم‌های ارزشمند به شکلی ناخواسته تحقیر شوند.

فیلم‌های مستند در جشنواره معمولاً یا در سانس‌های ابتدایی روز یا در سانس‌های آخر شب در سینمای رسانه اکران می‌شوند، در زمان‌هایی که یا هنوز خبرنگاران درگیر امور مرتبط با فعالیت‌های روزانه هستند و فرصت حضور در سینما را ندارند یا در ساعاتی که پس از تماشای چند فیلم خسته شده‌اند و سینما را ترک می‌کنند. سالن‌های خلوت و جلسات پرسش و پاسخی که معمولاً رونق و گرمای چندانی ندارند، انگیزه‌های کارگردانان و عوامل سازنده فیلم‌های مستند را از آنان می‌گیرد و به نوعی ناامیدشان می‌کند. این درحالی است که حس و حال رقابتی جشنواره و استیلای عطش دیدن فیلم‌های داستانی چنان با تار و پود جشنواره گره خورده است که نمی‌توان انتظار داشت این فضا به این راحتی شکسته شود. فیلم‌های داستانی با چهره‌های معروف و بازیگران و کارگردانان و عواملی که بسیاری از آن‌ها از عنصر خبری شهرت برخوردارند، خواه ناخواه بسیار بیشتر از فیلم‌های مستند توجه برانگیزند و از رسانه‌ها نمی‌توان انتظار داشت همان سطح از توجه و پوشش خبری را که به سینمای داستانی و رقابت‌های داغ برای دریافت سیمرغ‌های اصلی معطوف می‌کنند، متوجه سینمای مستند نیز بکنند.

ذات سینمای مستند، آرام و کم‌حاشیه است. سینمایی است متفکر، تحلیلگر و پرسش‌آفرین. این جنس از سینما وقتی در کوران رقابت و جنجال و خبرسازی قرار می‌گیرد، بیشتر و بیشتر به حاشیه کشیده می‌شود. همین امروز که بحث دربارهٔ فیلم «متری شیش و نیم» بالا گرفته است، جشنواره به سمتی رفته است که نگاه رسانه‌ها و خبرها به سمت یک فیلم خاص کشیده شده است. این بحث‌ها دربارهٔ فیلم‌های دیگری نیز اتفاق خواهد افتاد. حضور عوامل فیلم‌ها در نشست‌های خبری، موضع‌گیری‌هایشان، عصبانی شدن و خوشحال شدنشان، ژست گرفتنشان در برابر عکاسان و پاسخ‌هایشان به انتقادات، هرکدام موجب می‌شود در روزهای برگزاری جشنواره از دل سینمای رسانه، خبرهای توجه‌برانگیز و داغ بیرون بیاید. در این فضا، کمتر کسی به یادش می‌افتد که یک فیلم آرام، محترم و بدون جنجال مستند همان روز در جشنواره اکران شده است. شاید بهتر باشد برای حفظ احترام سینمای مستند، این واقعیت را پذیرفت که جشنواره فیلم فجر مکان مناسبی برای حرمت‌گذاری به این نوع سینما نیست. سینمای مستند، جشنواره‌های خاص خود، مخاطبان خاص خود و توجه و ارج‌گذاری خاص خود را می‌طلبد.

خبر

حمیدنژاد:

کارهایم را با عشق ساختم

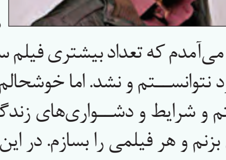

عزیزالله حمیدنژاد در مراسم نکوداشتش در افتتاحیه جشنواره فیلم فجر گفت: از نظر کمی و کیفی تعداد کارهای من آنقدر نیست که نیاز به بزرگداشت داشته باشم. دوست داشتم زمانی اینجا می‌آمدم که تعداد بیشتری فیلم ساخته بودم که متأسفانه با شرایط موجود نتوانستم و نشد. اما خوشحالم که هر یک از کارهایم را با عشق ساختم و شرایط و دشواری‌های زندگی مانع این نشد که دست به هر کاری بزنم و هر فیلمی را بسازم. در این راستا باید از همسرم تشکر کنم چون در این سال‌ها او مرا حمایت کرد برای اینکه دست به هر کاری نزنم. او ادامه داد: دوست دارم از منتقدان نام ببرم که وقتی هور در آتش را ساختم در همین فضای جشنواره از فیلم حمایت کردند و موجب شدند من فیلم بعدی‌ام را بسازم، افرادی چون حمید صدیقی، هوشنگ گلمکانی، خسرو دهقان و مسعود محرابی. در زمانی که ما این فیلم را ساختیم ویژوال افکت کامپیوتری نبود و باید با جلوه‌های ویژه میدانی می‌ساختیم و من باید قدردانی کنم از آقای شوقی و دستیارشان که برف و بوران را برای ما ایجاد کردند. آن زمان کار بسیار دشواری بود. حمیدنژاد تأکید کرد: همچنین خوشحالم که در آخرین کارم با آقای شجاع نوری همکاری داشتم و خانم مؤمن که در نقش فخرالزمان درخشیدند و خوشحالم که در هر کارم یک تعداد چهره جدید به تلویزیون و سینما معرفی کردم. امیدوارم خدا توفیق بدهد فیلم‌های دلخواهم را بسازم. پیش از این او در مصاحبه در واکنش به برنامه بزرگداشتش در جشنواره فجر گفت: دوست دارم برای فیلمسازانی که کارهای بزرگی برای سینمای ایران ساختند و فیلمسازان مطرحی هستند و مهجور واقع شدند حتماً بزرگداشت‌هایی برگزار شود زیرا که می‌تواند تأثیر بسزایی روی آن‌ها بگذارد. وی درباره اینکه به عنوان فیلمساز جنگ شناخته می‌شود، گفت: من فیلمساز هستم، فیلمساز می‌تواند درباره هر مقوله‌ای فیلم بسازد، طبقه‌بندی کردن فیلمسازان به اجتماعی یا جنگ به عقیده من اشتباه است. من هم در مورد مسائل علمی اجتماعی و هم جنگ فیلم ساختم، اخیراً هم سریالی درباره مسائل تاریخی ساختم و به نظرم نباید چنین تقسیم‌بندی کرد. این کارگردان در پاسخ به اینکه دلتنگ کدام یک از شخصیت‌های فیلم‌هایش است، گفت: کاوه کیانی و روناک در «اشک سرما»، این دو شخصیتی بودند که بسیار به آن‌ها دلبستگی داشتم و زمانی که فیلمنامه را به نگارش درآوردم و سپس به تصویر کشیدم این دو شخصیت را بسیار دوست داشتم و دلم برای این دو شخصیت خیلی تنگ شده است. این کارگردان در پایان به جوانان علاقه‌مند به کارگردانی در سینما، این چنین توصیه کرد: «فیلمسازی کار آسانی نیست، ظاهر آن ساده است. ما دو ساعت یک فیلم را می‌بینیم ولی این دو ساعت ممکن است ۶ یا هفت سال وقت و عمر یک فیلمساز را گرفته باشد. جوانان، فیلمسازی را آسان و سهل نگیرند زیرا بسیار دشوار است و با پشتکاری که از جوانان سراغ داریم، فیلمسازان جوان خوبی در آینده در سینمای ایران خواهیم داشت».

کوتاه از جشنواره ۳۷

- حضرت آیت‌الله العظمی نوری همدانی از مراجع عظام تقلید در واکنش به حواشی افتتاحیه جشنواره فجر بیان داشت: اخباری از جشنواره فیلم رسید که در افتتاحیه به نام جشن انقلاب اسلامی اعمال ضدارزش اتفاق افتاده، آقایان بدانید این انقلاب اسلامی بود، به بهانه جشن انقلاب ارزش‌های اسلامی را زیر پا نگذارید.
- فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» به کارگردانی بهرام توکلی به دلیل آماده نشدن نسخه نهایی از نمایش در روز اول سینماهای مردمی و پردیس ملت بازماند و به جای آن فیلم سینمایی «معکوس» به کارگردانی پولاد کیمیایی به نمایش درآمد.
- فیلم «متری شیش و نیم» به کارگردانی سعید روستایی در حالی از جدول اکران مردمی روز نخست جشنواره بازمانده است که بنابر اعلام روابط عمومی جشنواره مشکلی برای مجوز نمایش ندارد.
- وزیر ارشاد در پاسخ به حواشی افتتاحیه جشنواره فجر در خصوص تک خوانی زن در توییتی اعلام کرد: در افتتاحیه جشنواره فجر فقط صدای جمع‌خوانی به من رسید! به دوستانم گفته‌ام قانون و شریعت معیار است.

به روایت بازیگر

پولادکیمیایی:

سینمای ما ریتم پایینی در قصه‌گویی دارد

سینماپرس: پولاد کیمیایی کارگردان فیلم سینمایی «معکوس» که در بخش نگاه نو سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر حضور دارد، گفت: از لحاظ ساختار و تکنیک کسی نمی‌تواند بگوید «معکوس» فیلم بدی است، شاید این فیلم باب سلیقه برخی افراد نباشد همان طور که هر فیلم دیگری می‌تواند این چنین باشد. این سینماگر افزود: پروسه تولید «معکوس» برایم دشوار بود و من برای ساخت این فیلم خیلی تنها بودم؛ اما خوشبختانه این شانس را داشتم که پدرم را به عنوان تهیه‌کننده فیلم در کنارم داشته باشم. «معکوس» پیش از این قرار بود با تهیه‌کنندگی آقایان سرتیپی و تخت‌کشیان تولید شود اما هر یک از آن‌ها با بیان اینکه این فیلم را نخواهد فروخت و هزینه‌های تولیدش بسیار زیاد است و از منظر اقتصادی تولیدش به صرفه نیست، از تهیه‌کنندگی این فیلم انصراف دادند.

وی ادامه داد: بنده برخلاف کسانی که معتقد بودند تولید این فیلم به صرفه نیست معتقد بودم که دیگر دوران سود در تولید گذشته، دوران ورشکستگی سینما به سرآمده و ما نباید صرفاً نگاه اقتصادی به سینما داشته باشیم. امروزه ما سالن‌های متعدد داریم، سینماهای زیادی فعال هستند و مردم هم هرچند کم اما به هرحال سینما می‌روند، از این رو ما می‌توانیم رویکردی صنعتی‌تر نسبت به سینما داشته باشیم.

کیمیایی در همین راستا افزود: ما از سینما خارج شدیم و باید به ریل اصلی آن برگردیم. امروزه فیلم‌های سینمای ما نزدیک به فیلم‌های مستند شده‌اند و ما هیچ گرامر سینمایی را در فیلم‌هایمان شاهد نیستیم؛ چه در زمینه نور و تصویر و تم و مونتاژ سینمایی چه از منظر محتوایی! سینمای ما ریتم بسیار پایینی در قصه‌گویی دارد اما خوشبختانه قصه «معکوس» پر و پیمان بود و من هم با ایمان به قصه جلو رفتم.

گزارش رویداد

مهندسان سلاخی!

از «عملیات مهندسی» منافقین در سال ۶۱ چه می‌دانید؟

ایستگاه/ مجید تربت زاده

تنها، حرف ادای احترام، سالگرد پیروزی انقلاب، قرائت فاتحه و... نبود. حضور رهبرانقلاب در گلزار شهدای بهشت زهرا و در مناسبت‌های مختلف، البته اتفاق خاص و نادری نیست. رفتن بر سر مزار برخی شهیدان خاص را اما شاید بتوان کمی معنادار دانست. دیروز فقط سالگردِ شب و روزهای حساس نزدیک به پیروزی انقلاب بود و ربطی هم به سالروز شهادت این شهیدان نداشت. رهبری اما علاوه بر حضور بر مزار شهیدان انقلاب، دفاع مقدس،مدافع حرم و حج سال ۶۶، خبری هم از قبور شهیدان «عملیات مهندسی» گرفتند. شهیدانی که شاید در شور و حال و شادمانه‌های چهل سالگی انقلاب اسلامی، بیشتر از هر شهید دیگری، مظلومیت و گمنامی شان را به دست فراموشی سپرده باشیم.

فاز نظامی

نمی شود باور کرد رخدادهای پشت سرهم که از اسفند ۱۳۵۹ در دانشگاه تهران آغاز شد و تا نیمه‌های سال ۶۰ ادامه پیدا کرد، همان طور اتفاقی و بدون هیچ برنامه از قبل چیده‌ای شده، مسلسل وار اتفاق افتاده است. ۱۴ اسفند ۵۹، بنی صدر غائله دانشگاه تهران را به راه می‌اندازد... خرداد سال ۱۳۶۰ ماجرا بالا می گیرد و کار به عدم کفایت سیاسی و درخواست عزل ریاست جمهوری می‌انجامد... ۲۹ خرداد، سران مجاهدین خلق به قول خودشان وارد فاز رویارویی نظامی آشکار با رژیم شده و اعلان جنگ مسلحانه می کنند... همان روز یا روز بعد «بنی صدر» اعلام می‌کند برای باقی ماندن در قدرت با مجاهدین خلق ائتلاف کرده است... ۳۱ خرداد ۶۰، مجلس رأی به عدم کفایت سیاسی «بنی صدر» داده و او از ریاست جمهوری عزل می‌شود... یک هفته بعد، انفجار هولناک دفتر حزب جمهوری اسلامی، هفتاد و چند شهید از جمله «بهشتی» را باقی می گذارد... دو ماه بعد انفجار دفتر نخست وزیری، شهید رجایی و باهنر را از قافله دولتمردان انقلاب جدا می‌کند... این در حالی است که یک ماه پیش از انفجار دفتر نخست وزیری، سرکرده مجاهدین خلق که حالا به «منافقین» مشهور شده‌اند، دست «بنی صدر» را گرفته و پنهانی زده است به چاک تا فرزندان نفاق و التقاط، پشت سرش اگر توانستند، از کشته، پشته بسازند و مثلاً قدرت نظامی شان را به رُخ رژیم بکشند.... زدنِ یک رئیس‌جمهور، رئیس دیوان عالی کشور، نخست‌وزیر، چهار وزیر و ده‌ها نماینده مجلس، نمی‌تواند بدون ماه‌ها کار اطلاعاتی و بدون بهره گیری از عوامل نفوذی که دست کم دو سال را صرف جازدن خودشان در میان نیروهای انقلابی کرده بودند، انجام شده باشد.

ما پیچیده‌تریم!

تحلیل‌های سازمانی، خیلی درست و دقیق به نظر می‌رسیدند! بولتن‌های داخلی این گزاره را میان اعضا منتشر می‌کردند که: «در شرایط کنونی، سازمان مجاهدین خلق از رژیم جمهوری اسلامی پیچیده‌تر شده است». این تحلیل‌ها به اعضا ثابت می‌کردند که ترور سران جمهوری اسلامی در مدت چند ماه و همچنین فراری دادن «رجوی» و بنی صدر نشان می‌دهد تشکیلات حفاظتی، عملیاتی و امنیتی سازمان، از مجموع توان اطلاعاتی سپاه، کمیته و دادستانی انقلاب بیشتر و پیشرفته‌تر است. با این تحلیل‌ها، مقاومت و جنگ مسلحانه باید به هر شکل و با ترور و انفجار و ایجاد رعب و وحشت در نقاط مختلف کشور ادامه می‌یافت تا رژیم و مردم نیز این قدرت و توان سازمانی را باور کنند.کیفوری و سرحالیِ ناشی از این تحلیل‌ها تا بهمن سال ۱۳۶۰ برای منافقین ادامه داشت. ۱۹ بهمن سال ۶۰، همان اتفاقاتی رقم خورد که شاید در فیلم «ماجرای نیمروز» آن را دیده باشید. «موسی خیابانی» که نفر دوم سازمان به حساب می‌آمد و پس از فرار رجوی، فرماندهی و رهبری جنگ مسلحانه را در ایران به عهده گرفته بود با عده‌ای از افراد کادر مرکزی سازمان در خانه‌ای تیمی در «زعفرانیه» تهران به محاصره افتاده و همگی در درگیری با مأموران کشته شدند.

عملیات معکوس

چند ماهی زمان لازم بود تا باقیمانده منافقین از بهت و سرگیجه این ضربه بیرون بیایند. سرگیجه هنوز ادامه داشت که اردیبهشت سال ۶۱ رسید و در حمله‌ای سراسری، تعداد زیادی از خانه‌های تیمی منافقین لو رفته و مورد حمله قرار گرفت. از این مرحله به بعد بود که تحلیل‌های آن‌ها تغییر کرد و بولتن‌های داخلی برای اعضا نوشتند: «هشدار! رژیم و توان اطلاعاتی‌اش هم پیچیده شده است».

آن طور که آن‌ها تحلیل کرده و به اعضا وعده داده بودند، ترورهای کور و به شهادت رساندن مردم کوچه و بازار نتوانسته بود، از هم پاشیدن دستگاه اطلاعاتی و زمینه سقوط رژیم را فراهم کند. بنابراین تحلیل‌ها و دستورعمل‌های جدید رسید تا دلیل شکست‌های اخیر را توجیه کند: «رژیم با چهار اقدام اطلاعاتی توانسته است ضربه‌های سنگینی به سازمان بزند... استفاده از نفوذی‌ها... عملیات گسترده تعقیب و مراقبت... اعترافات دستگیر شده‌ها... به کارگیری شبکه جدید مخابراتی به نام عبدالله پیام... ما نه فقط نباید مأیوس شویم، بلکه با انرژی‌های چند برابر باید به فعالیت خود ادامه داده و کینه‌هامان را عمیق‌تر و تیرهای خود را آماده‌تر سازیم و در کمین بنشینیم»! با این نتیجه‌گیری، سازمان تصمیم گرفته بود در این جنگ و مبارزه اطلاعاتی، بدل بزند و از «عملیات معکوس» استفاده کند. این تجزیه و تحلیل و دستورعمل‌های ناشی از آن به اجرای عملیاتی وحشتناک انجامید که بعدها به «عملیات مهندسی» معروف شد.

به ما ضربه می‌زنند

روش‌های اجاره خانه برای تبدیل کردن آن به مخفیگاه و خانه تیمی باید تغییر می‌کرد تا از طریق بنگاه‌ها قابل ردگیری نباشند... شنود بی‌سیم‌های کمیته‌ها باید تقویت می‌شد... چون نیروهای اطلاعاتی رژیم دائم در حال گشت زنی و بازداشت موارد مشکوک هستند، سازمان هم باید در اطراف همه خانه‌های تیمی نیروهای گشتی نامحسوس به کار بگیرد... هر فردی که دو بار یا بیشتر در اطراف خانه‌ها رؤیت شد، دستگیر شود...گشتی‌ها باید مجهز به کارت‌های شناسایی جعلی سپاه و کمیته باشند و... این‌ها اما دستورعمل‌های کلی بود که برای همه اعضای فعال ارسال می‌شد. دستورهای خاص مربوط به «عملیات مهندسی» بود. به چند نفر از اعضای تیم‌های عملیاتی دستور ویژه ربودن چند مورد مشکوک رسید. هدف از ربودن، بازجویی و کسب اطلاعات درباره چگونگی پی بردن مأموران به محل خانه‌های تیمی بود. منظور از «مهندسی» نیز شکنجه برای اعتراف گیری و بعد هم کشتن سوژه بود. برای اینکه اعضا احتمالاً به دستور شکنجه، اعتراض یا با آن مخالفت نکنند در تحلیل‌های همراه دستورات آمده بود که: «باید بدانید براساس اطلاعاتی که سازمان دارد، یک شبکه ۳۰ نفره ساواکی دارند با رژیم همکاری می‌کنند. این‌ها تخصصشان در مسائل اطلاعاتی و کشف خانه‌های تیمی است و یک باره ضربه‌ای مثل ۱۲ اردیبهشت را به ما خواهند زد...»! دستور کادر مرکزی سازمان اگرچه محرمانه اما صریح بود و اجازه هرگونه شکنجه را به تیم عملیاتی می‌داد. گزارش بازجویی‌ها باید روزانه به بالا ارسال می‌شد.

مثبت ۱۸ سال

سوژه‌های مرحله اول عملیات خیلی اتفاقی ربوده می‌شوند! «طالب طاهری» ۱۶ ساله در اطراف یک خانه تیمی که مرکزیت بخش ویژه هم هست دیده می‌شود و مسئول حفاظت خانه تیمی به آن‌ها مشکوک می‌شود.

روز بعد، «طالب» در کنار «محسن میرجلیلی» ۲۵ ساله در اطراف خانه تیمی مشاهده می‌شوند. گزارش به بالا می‌رسد و دستور دستگیری آن دو نفر داده می‌شود...با ماشین جلوی آن‌ها می‌پیچند و با کارت جعلی خودشان را مأمور کمیته معرفی می‌کنند و هر دو نفر را می‌دزدند... وقتی در جیب هایشان کارت عضویت کمیته پیدا می‌شود به خانه‌ای در خیابان بهار منتقل می‌شوند... در و دیوار خانه عایق بندی شده تا صدا به بیرون درز نکند... بازجویی آغاز می‌شود... البته با کابل... هر دو نفر زود به حرف می‌آیند... اما نه حرف‌هایی که بازجوها می‌خواهند... دو پاسدار معمولی کمیته چیزی جز نام مسئولان و کارهای عادی روزمره شان برای اعتراف ندارند...چه می‌دانند چه کسی و چطور خانه تیمی منافقین را لو داده... شکنجه‌ها با آمدن بازجوهای جدید به داخل حمام کشیده شده و هولناک‌تر می‌شود... توضیح جزئیات شکنجه قطعاً مثبت ۱۸ سال است... پوست‌هایی که با ریختن آبجوش می‌پزد و وَر می‌آید... دندان‌هایی که توی دهان خرد می‌شوند... مو و پوست سری که کنده می‌شود... گوش و دماغی که بریده می‌شود... سیخ‌های داغ که پوست و گوشت استخوان را می‌سوزانند... بازجوها بعد از چند روز به چیزی نمی‌رسند... به پیکر بی‌جان هر دو نفر سیانور تزریق می‌شود و بعد هم جایی بیرون شهر، زنده زنده دفن می‌شوند!

قبرشان را قبلاً کنده بودیم

«شاهرخ طهماسبی» را از توی خانه‌اش می‌دزدند. سازمان گفته بود معاون عملیات یکی از واحدهای سپاه است! «عزت شاهی» که مدتی مسئول بازپرسی کمیته بود، اما در این باره گفته است: «طهماسبی اپراتور بی‌سیم‌های شبکه عبدالله پیام بود... معمولاً گزارش‌ها را رد و بدل می‌کرد و با بچه‌های بی‌سیم صحبت می‌کرد... منافقین توی کمیته دو تا نفوذی داشتند... آن‌ها گفته بودند شاهرخ همه چیز را می‌داند؛ او را بدزدید تا از او به اطلاعات برسید...». سرنوشت «طهماسبی» مانند دو نفر دیگر است. اما ماجرا به اینجا ختم نمی‌شود. قربانی دیگر «عباس عفت روش» است... شغلش کفاشی است و جرمش اینکه همسرش احتمالاً حزب اللهی و با نظام است! او را از توی دکانش می‌دزدند و همان روز اول مشخص می‌شود اطلاعاتی برای لو دادن ندارد. یکی از عوامل شکنجه‌اش بعد دستگیری می‌گوید: «محل شکنجه کفاش داخل حمام بود، چند روز وی تحت شکنجه قرار داشت... التماس می‌کرد چیزی نمی‌داند... من با کابل می‌زدم و مسعود دهانش را گرفته بود... همه عرق کرده بودیم و نفس نفس می‌زدیم... مسعود گفت ما اطلاعات که نتوانستیم بگیریم ولی انتقام گرفتیم... همان روز که پاسدارها را کشتیم او را هم کشتیم... خط شکنجه نباید لو می‌رفت... دستور داشتیم چه اطلاعات دادند چه ندادند آن‌ها را بکشیم... قبرهایشان را از قبل آماده کرده بودیم...»!

مورد دیگر در نمایش داعشی‌های دهه ۶۰ «حبیب روستا» است.

طرفدار گروهک منافقین و همکار فعال سابق. مدت‌ها اعضای منافقین را پناه داده و مخفی می‌کرده است. حالا به او مشکوک شده‌اند که پشیمان شده‌وهمکار رژیم‌است.روش‌های شکنجه‌روی «حبیب» هم بشدت وحشتناک است... چند بار مجبور می‌شود به دروغ اعتراف کند که با رژیم همکاری می‌کند... اما متوجه می‌شوند دروغ می‌گوید شکنجه‌ها بیشتر می‌شود...آن قدر بیشتر که زیر شکنجه می‌میرد... مورد آخر هم یک معلم است... داعشی‌های ۳۶ سال پیش این بار هم به جای اعتراف، فقط انتقام می‌گیرند...!

تحلیل و ته دیگ

از کافی شاپ مجلسی تا بودجه قابل اختلاس

ایستگاه / م.ظرافتی

یک نماینده مجلس از وجود اتاق استراحت، کافی شاپ و اتاق سیگار در ساختمان مجلس خبر داد!

مرغ همسایه از قدیم برای ما غاز بوده است. همین اتاق استراحت را وقتی ژاپنی‌ها می‌سازند همه به به و چه چه می‌کنند، اما وقتی مجلسی‌ها برای خودشان اتاق استراحت می‌سازند کاربران فضای مجازی شروع به انتقاد از نماینده‌ها می‌کنند! حالا کاری نداریم که صحن علنی مجلس برای برخی‌ها استراحتگاه محسوب می‌شود، اما نیمه پر لیوان را هم نگاه کنید لطفاً! لااقل الان مثل ژاپنی خفن شده‌ایم و توی یکی از ارگان‌هایمان اتاق استراحت داریم! فقط برخلاف ژاپنی‌ها که رئیسشان مجبورشان می‌کند روزی نیم ساعت در این اتاق‌ها استراحت کنند، رئیس مجلس ما باید نماینده‌ها را مجبور کند روزی نیم ساعت از اتاق استراحت خارج شوند و کار کنند!

یا مثلاً وجود همین کافی شاپ در ساختمان مجلس چه اشکالی دارد؟ نماینده‌ها مگر دل ندارند؟ نماینده فلک زده حتماً باید گلابی‌اش را بیاورد داخل صحن مجلس بخورد که ما روزنامه نگاران دون مایه به او خرده بگیریم؟ این درست که بودجه هنگفتی برای ساخت کافی شاپ صرف شده، اما در عوض نماینده‌ها یاد می گیرند گلابی‌هایشان را داخل صحن مجلس نیاورند و در عوض بروند به کافی شاپ بهارستان و دمنوش گلابی و گلابی گلاسه میل کنند!

معاون پژوهش و فناوری وزارت علوم: آرام آرام باید از بودجه‌های دولتی دل بکنیم

از قدیم گفته‌اند چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است. منظور اینکه وقتی می‌شود بودجه را به یک سازمان مجهول اختصاص داد و بعد راحت اختلاسش کرد چرا بیاییم آن را حرامِ چیزهای بیخودی مثل پژوهش و تولید مقالات علمی کنیم؟ اصلاً بودجه‌ای که برای گسترش فناوری و افزایش دستاوردهای علمی صرف شود که بودجه نیست! بودجه باید طوری باشد که بشود راحت و بدون دردسر اختلاسش کرد. در غیر این صورت به مفت نمی‌ارزد! احتمالاً چون شرایط اختلاس در وزارت علوم مهیا نبوده یا سرانجام مسئولان رویشان نمی‌شده دست توی جیب وزارت علوم کنند، براساس ضرب المثل «دیگی که برای من نجوشد می‌خواهم سر سگ در آن بجوشد»، مسئولان رده بالا تصمیم گرفته‌اند در جهت رفاه حال مختلسان گرامی و زحمتکش، بودجه وزارت علوم را کاهش داده و آن را به جایی قابل اختلاس‌تر انتقال دهند!

روزمره نگاری

شادی گران هست، نیست؟

ایستگاه / رقیه توسلی

ایستاده‌ام توی آشپزخانه. پزشکی توی برنامه تلویزیونی می‌گوید: شاد باشید... خنده بر هر درد بی‌درمان دواست... کبد را خنک می‌کند... گران نیست... رودست هم ندارد.

در کسری از ثانیه فرمانده بدنم دست به کار می‌شود و دستور صادر می‌کند که باید بخندم و بگردم دنبال سوژه‌های خوشحال کننده شنگول‌ساز.

می‌گردم. چیزی که عایدم می‌شود سریال پایتخت، واریزی یارانه، بارندگی‌های اخیر، نوزاد سه ماهه فامیل که کله‌اش را می‌خاراند و جاری شدن آب در بستر زاینده‌رود است. بیشتر می‌گردم. خندوانه را هم پیدا می‌کنم، اشعار عبید زاکانی، خوردن زعفران و چند تایی دیگر را. بقیه در حد نیم خند و غنج رفتن‌اند، نه بیشتر. اما کلّه که می‌چرخانم هر طرف می‌بینم الی ماشاءالله موضوع ریخته برای نخندیدن و لب ورچیدن.

البته یادم نرود که بگویم بعد از جملات وزین آقای دکتر، شستن سیب‌ها که تمام می‌شود می‌خندم. از بس که قیمت‌اش تلخ است. سروقت یخچال که می‌روم تا قاشقی رُب بردارم برای تکمیل عدسی هم می‌خندم.دو متر پارچه‌ای که ۶۰ هزار تومان بابتش داده‌ام به بزاز هم صورتم را وا می‌کند به خنده. ایضاً رقم قبض ها، قیمت البسه و واویلای دوا و درمان.نمی دانم بی‌قواره و قناس خندیدن را آیا کبد جان زیرسبیلی رد می‌کند یا اینکه خنده از ته حلق و روده‌ها فقط حساب است؟

سرانجام پزشک محترم، قریب ۱۰ دقیقه فریاد می‌زند که زندگانی را سخت نگیرید، مدیر باشید در روزهای ناخوب و بروید دنبال این منحنی پُرفایده که از آشپزخانه می‌آیم توی هال و می‌ایستم به تماشای سکنات آقای متخصص.

بیراه نگفته‌اند که شاد بودن هنر است. خدا خیرش دهد! ضد و نقیض‌اش سبب می‌شود یک مورد تازه پیدا کنم برای سردماغ شدن. در قید «آگاتا کریستی» بودن نیستم، اما از بس آرام و قرار ندارد ایشان، دلم می‌خواهد یک پارچ آب و لیوان بردارم ببرم توی استودیو بگویم: شما یک نفس غلیظ بکشید استادا! خندیدن پیشکش.

جدول ۷۴۶۳

zadehalireza@gmail.com
محمدرضا علی‌زاده

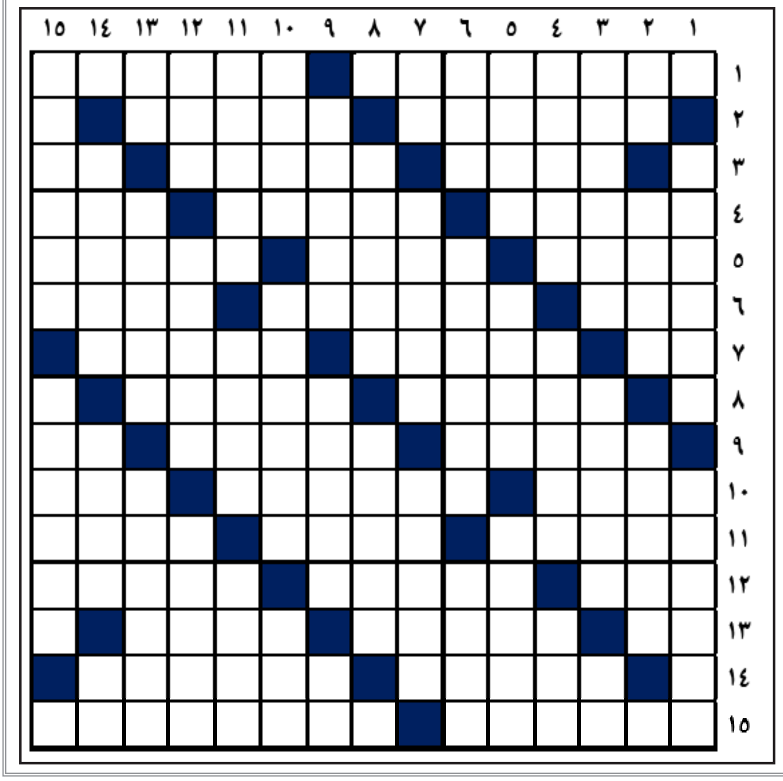

افقی

۱. محافظ شخصی است و فیلمی به یادماندنی از «ابراهیم حاتمی‌کیا» - عامل بیماری‌زا ۲. ماه میلادی- از درجه‌داران ارتشی بالاتر از سروان ۳. فال گرفتن- گیاه خورشتی- درخت انگور ۴. از خبرگزاری‌های غربی- جاهل- چین سابق ۵. منت گذارنده- قوم ساکن کشور رومانی- پرده دری ۶. دیگری- کشوری در قاره سیاه به پایتختی بانجول- روز بعد ۷. حرص و طمع- سیاره زهره- بافندگی ۸. آلیاژ سخت چکش‌خوار با درصد کم کربن- کشنده ۹. سرود و نغمه- بریان شده- بالا در زبان انگلیسی ۱۰. اجازه نامه- مراقب- از ادات شرط ۱۱. درصد دانه‌هایی از گیاه که در مدت معین زنده مانده و قابل کشت هستند- مسیرحرکت سیارات گرد خورشید- محل عبور ۱۲. نظرات انتخاباتی - جریان هوا- توجه کردن ۱۳. از مبطلات روزه - زرشک- حیوانی از خانواده میمون ۱۴. اجاره – چشمه‌ای بهشتی ۱۵. همرزم - خوراکی رشته‌ای ساخته‌شده از آرد سمولینا

عمودی

۱. هدیه و تحفه- درگیری و نزاع ۲. نام آذری- زادگاه مارکوپولو- بازرگانی ۳. معاون- از مراکز خرید شهر مشهد واقع در میدان جانباز- ویتامین جدولی ۴. پیداکردن- هافبک ملی پوش سال های قبل استقلال تهران که درگیری اش در دربی ۱۳۷۹ منجر به زندانی سه‌روزه برایش شد- یقه آهاری ۵. چمچه - واحدی در حجم معادل ۴ لیتر در کشورهای انگلیسی زبان - ده هزار مترمربع ۶. شتر- جاده آهنین - سیاهرگ ۷. حرف مکرر - مایوس- در ضلالت افتاده ۸. نام پسرانه ایرانی به معنی دارای آرامش- مامور رسیدگی به بهداشت روستا ۹. قدیمی‌ترین شهر استرالیا- عید اضحی- پسوند شباهت ۱۰. فال خوب- پراکندن- غربال ۱۱. بی‌همتا- نوعی پارچه نخی شبیه اطلس- خبرگزاری رسمی ایتالیا ۱۲. چهارمین جزیره بزرگ مدیترانه متعلق به فرانسه- باقیمانده چای پس از دم کردن- بااعتبار ۱۳. نپذیرفتن- بیرون کشور را گویند- از سیستم‌های پخش صوتی ۱۴. گدا- مورد اعتماد- نفی تازی ۱۵. گیاه آپارتمانی با برگ‌های پهن تخم مرغی پهن سبز رنگ- دستگاه نمایش فیلم

حل جدول شماره قبل

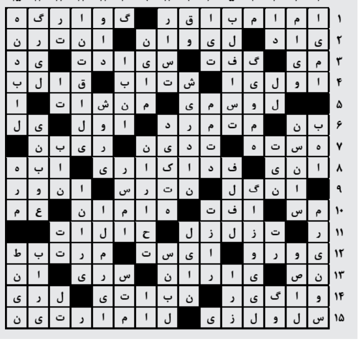

منتظر نظرها، دیدگاه ها و انتقادهایتان در خصوص جدول هستیم با ما تماس بگیرید

کلیدها

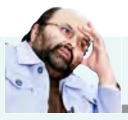

روزنوشته‌های علی‌محمد مؤدب

ازدحام حرف در جهان مجازی

حرف‌های نگفته همیشه از حرف‌های گفته شده بیشترند، اما کمتر پیش می‌آید که نگفته‌ها این همه میل به ظهور داشته باشند. همیشه حرف‌های نگفته بخشی از واقعیت روابط انسانی بوده‌اند و کسی هم اکوسیستم نگفته‌ها را دستکاری نمی کرده است.نگفته‌ها عامل مهمی در توازن اجتماعی هستند و اصولاً در بسیاری موارد باید هم نگفته بمانند. به طور مثال هر انسانی ممکن است میل به گناه داشته باشد همه آدمیان این را می‌دانند که میل به گناه بد است و همه هم این میل را دارند و همه هم می‌دانند که گفتن ندارد. درستش هم همین است که این امیال ناگفته بمانند. ظهور شبکه‌های اجتماعی و صفحات شخصی و هویت‌های مجازی وضعیت جدیدی در تاریخ بشر پدید می‌آورند وضعیتی که نهان بشر در عین اینکه نهان است عیان می‌شود. و انسان چندگانه سوز می‌شود از یک طرف با ظواهر خودش در عالم واقع زندگی و امتیازاتی دارد و از طرف دیگر می‌خواهد با نهانی‌ها و اسرارش در جهان واقعیت مجازی عیش و سرمستی‌ای داشته باشد. جهان مجازی به ضعیفان و آدم‌های حقیر هم فرصت شرارت داده است. شر بودن و شر رساندن پیش از ظهور وب به این سادگی نبود. آدم شرور باید کتکش را می‌خورد تا بتواند برند شر بودن را داشته باشد و هزینه شر بودن را نقد و فی المجلس پرداخت می‌کرد. امروز اما هر موجود حقیری می‌تواند انگیزه‌های شرورانه خودش را در جهان مجازی رها کند و شر به پا کند. هم‌افزایی اشرار به این نحو از آن چیزهاست، متاعی که فقط در شلوغ بازار جهان مجازی ممکن شده است.جهانی که همه غریبند و همه می‌توانند لاف در غربت بزنند. از این رو بهترین باشندگان جهان مجازی هم دامنشان به بخشی از این شر آلوده است. نمودن بیش از بودن و پیش از بودن خاصیت جهان مجازی است و هر نوع نفس کشی و نفس کش طلبی در جهان مجازی در نقطه بسم الله خودش نیاز به استغفار دارد. در این بازار است که حرف‌ها نوچ و چسبنده‌اند و مدام به هم می‌چسبند. جهان مجازی سیاهچاله حرف‌ها و صداهاست و سرسام در آن تجسد یافته است. هر حرفی را رها کنید تا به مقصد برسد ده‌ها حرف دیگر به آن چسبیده‌اند و این است که گفت‌وگوی سبک در عالم مجازی ممکن نیست. هر گفت‌وگویی در این عالم سنگین است و پر از ابهام و گنگی و به هدف گفت‌وگو نزدیک نیست. استفاده از جهان مجازی برای گفت‌وگو صدقی می‌طلبد که حرف چنان برهنه گفته شود که امکان چسبیدن حرف‌های دیگر را به خودش از بین ببرد. این برهنگی شجاعت می‌خواهد و صدق و صدق و صدق.

نشریات جهان

ایستگاه/ امیر محمد سلطان پور

چه کسی بریتانیا را اداره می‌کند؟

هفته نامه نیو استیتسمن در تازه‌ترین شماره خود به اوضاع آشفته سیاسی بریتانیا می‌پردازد. این نشریه با طراحی برج ساعت معروف «بیگ بن» در لندن به شکل یک بمب ساعتی و انتخاب تیتر «چه کسی بریتانیا را اداره می‌کند؟» معتقد است که «ترزامِی» کنترل اداره کشور را از دست داده و دلایل این اتفاق چه بوده است. این نشریه در دو مقاله پیرامون خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، مشکلات مرزی به وجود آمده با ایرلند و همین طور آنچه که رهبران اروپایی از این رویداد انتظار دارند را بازتاب داده است.

لپ‌تاپ‌هایی برای بازی

ماهنامه تِک ادوایزر که پیرامون جهان کامپیوتر و فناوری منتشر می‌شود، در تازه‌ترین شماره خود بهترین لپ تاپ‌های سال ۲۰۱۹ برای بازی را معرفی کرده است. این نشریه جدیدترین تکنیک‌ها و توصیه‌ها برای استفاده بهتر از نرم‌افزارهای آفیس ویندوز که توسط متخصصین سازنده آن عنوان شده را منتشر کرده و نگاهی انداخته به بهترین بازی‌های کامپیوتری سال جدید که نظر منتقدین تِک ادوایزر را بیش از همه به خود جلب کرده است.

روغنکاری مغز

ماهنامه وات داکِترز دونت تِل یو (آنچه که دکَترها به شما نمی‌گویند) در تازه‌ترین شماره خود در پرونده‌ای راه‌های درمان و پیشگیری از جنون را در انسان تشریح می‌کند. این نشریه همچنین در مقاله‌ای، روغن‌هایی که می‌تواند مغز را پویا و سرحال نگه دارد را معرفی کرده است. راه‌هایی برای تنظیم تپش قلب شدید بدون استفاده از دارو و همچنین ورزش‌هایی برای از بین بردن کامل استرس، دیگر مقالاتی است که در این شماره وات داکترز دونت تل یو منتشر شده است.